

پیام سندیکا



شماره ۴۰
سال پنجم / شهریور ۱۳۹۴
نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

او به جان خدمتگزار باغ آتش بود



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تأسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

سرپیام

اطلاعیه های سندیکا های کارگری

گزارشات خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه ها

گزارشات خبرنگار پیگ واحد

درخواست سندیکای کارگران فلز کار مکانیک برای برپایی مجمع عمومی

اخبار کارگری

مقالات کارگری

با فدراسیون جهانی سندیکا های کارگری آشنا شویم

شعرهای کارگری

مقاله هایی در مورد زنان

ما در قدرت حاکمه حضور داریم

«منشور حقوق متهم»

رمضان گاوہ نفت گر قهرمان و از پیشکسوتان جنبش سندیکایی

درخواست از نهادهای بین المللی کارگری برای ثبت و پیگیری شکایت رانندگان اخراجی سندیکا

پیام سندیکا

ماهنامه خبری-تحلیلی کارگری



The image shows the cover of the magazine 'Peyman Syndica'. It features a portrait of a man with a mustache, likely the author or a key figure mentioned in the text. The cover includes the title 'پیام سندیکا' and 'ماهنامه خبری-تحلیلی کارگری'. There are several logos at the bottom, including one for 'اتحادیه نیروی کار ایران' and another for 'سندیکای کارگران فلز کار مکانیک'. The cover also has some text in Persian, including 'نشریه درونی سندیکا های کارگری ایران' and 'کتابخانه سندیکای کارگری ایران'.

نشریه درونی سندیکا های کارگری ایران
کاری از کارگران سندیکایی ایران
بر اساس منشور جهانی سندیکا های کارگری
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی
سندیکای کارگران نقاش و تزئینات
سندیکای کارگران بنا
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
اتحادیه نیروی کار پروژه ای



<http://vahedsyndica.com>
vsyndica@gmail.com
s_felezkar@yahoo.com
sfelezkar1961@gmail.com
www.sfelezkar.com
irunionmessenger@gmail.com

سرپیام

روزهای بعداز تحریم اعلام نشده است. ما می پرسیم آیا سیاست های دلالی که در دولت های گذشته پی گیری می شد و باعث بیرون رفتن ارزهای با ارزش نفتی برای خرید پوست خربزه، چوب بستنی، دسته بیل، کش شلوار، الاغ... می شد، باز هم ادامه خواهد داشت؟ و عده ای دلال خائن به کشور با فراغ بال هرچه را که خواستند وارد خواهند کرد و صنعت و کشاورزی و دامداری ما را نابود خواهند کرد؟ راستی موضوع پولهای بلوکه شده چقدر است؟ ۲۹ میلیارد یا ۱۸۰ میلیارد دلار؟ چرا از آقای روحانی تا وزیرای اقتصاد و دارایی و دیگران جواب درستی به این موضوع نمی دهند مگر کارگران و خانواده هایشان نامحرم هستند؟ چرا نمی گویند چه مقدار از این پولها برای رفاه زحمتکشان صرف خواهد شد؟ آیا همانطوری که در قانون اساسی گفته شده است تحصیل رایگان خواهد شد؟ بهداشت و بیمه رایگان و گسترش خواهد یافت؟ نان و برنج و روغن ارزان خواهند شد؟ مسکن چطور؟ کرایه خانه ها که

زندگی هر روز سخت تر از قبل برای زحمتکشان می شود. نان ها هر روز کوچکتر می شود و نهادی برای رسیدگی نیست. دفترچه های بیمه به ورق پاره ای تبدیل شده اند و مردم را به سمت بیمه های تکمیلی روانه می کنند. کارفرما با فریبکاری هر روز بر شدت کار می افزایند و آنچه از آن یاد نمی شود عمر بر باد رفته کارگران و خانواده هایشان است. در مقایسه دستمزد ناچیز کارگران سوده های نجومی و پاداش و دستمزد چند صد میلیونی ماهانه مدیران خودنمایی می کند که بخشی از آن را در این شماره نوشته ایم. با آمدن فصل مدارس درد و رنج خانواده های کارگری بیشتر می شود. خرید دفتر و کتاب، لباس و کفش... این مشکلات در تبلیغات جاری کشور جایی ندارد و در عوض هیاهوی حل شدن موضوع هسته ای و اظهارات مسوولین ریز و درشت تیترا اول رسانه هاست. با این همه تبلیغات هنوز هیچ برنامه مدونی برای

پدید آورده است. نتیجه مستقیم این سیاست ها، رشد تورم و بیکاری، تعطیلی هزاران واحد تولیدی، عمیق تر شدن دره عظیم فقر و ثروت و تحمیل شرایط غیر انسانی زیستن زیر خط فقر برای میلیون ها ایرانی است.

طبقه کارگر این سیاست های ضد کارگری را قبول نخواهد کرد. ما می توانیم با تقویت همبستگی میان اعتراض های کارگری گوناگون و گسترش اتحاد بین سندیکاهای کارگری و این اعتراضات از فقیرتر شدنمان جلوگیری کنیم. مبارزه با برنامه آزادسازی قیمت ها و گرانی هر روزه، که به فقیرتر شدن کارگران منجر گردیده، گسترش خصوصی سازی و از بین رفتن تولید داخلی از اولویت های مبارزاتی سندیکاهای کارگری است. باید این مبارزه را با افزایش سطح دستمزد ها، تأمین امنیت شغلی، و لغو قراردادهای موقت، پیوند زد و از این راه صف های جنبش کارگری را تقویت کرد.

تحریریه پیام سندیکا

بیشترین درصد دستمزد کارگران را می بلعد کاهش خواهد یافت؟ این حق طبقه کارگر است که بداند ثروتش چگونه هزینه می شود. بیکاری بالای جان خانواده های کارگری است و به قول وزیر کار هر پنج دقیقه یک نفر بیکار می شود چگونه با آمدن این پولها از بین خواهد رفت؟ یا اینکه باز هم رقم اختلاس ها بیشتر خواهد شد و بابک زنجانی های جدید متولد خواهند شد؟ **سندیکالیست ها می دانند فساد همزاد سیستم سرمایه داری است و ازان گریزی ندارد.**

مذاکرات دولت با بانک جهانی به کجا خواهد رسید، آیا با پذیرفتن دستورات بانک جهانی و صندوق بین المللی پول کارگران ایرانی باید برای اربابان جدید ارزان تر کار کنند؟ از بیمه و ۸ ساعت کار و بازنشستگی دیگر خبری نخواهد بود؟ این سوال هایی است که جوابشان را می دانیم. ۳۵ سال سیاست های سرمایه داران در کشورمان اجرا شده و بحران عمیق اجتماعی-اقتصادی درکشورمان را

فردا بر مزارش در وادی رحمت
تبریز گرد خواهیم آمد و یاد و
آرمان هایش را گرامی خواهیم
داشت.

سندیکای کارگران نقاش استان البرز

هیات موسس سندیکای
کارگران نقاش و تزیینات
تهران

سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک
اتحادیه نیروی کار
پروژه ای ایران
۱۳۹۴/۶/۲۳

اطلاعیه سندیکاهای کارگری ایران

گفته بودم زندگی زیباست

آمدن ، رفتن ، دویدن ، عشق
ورزیدن

در غم انسان نشستن،

پا به پای شادمانی های مردم پای
کوبیدن....

شاهرخ زمانی کارگر نقاش و
مبارزه راه بهروزی و آزادی طبقه
کارگر ، بنیان گذار سندیکای
کارگران نقاش استان تهران و
البرز و همکار صدیق سندیکاهای
کارگری در زندان رجایی شهر
درگذشت. ضایعه از دست دادن
این رفیق گرامی ، بس گران است،
اما زندگی ادامه دارد و ما پرتوان
تر آرمان های او را که جز
بهروزی و اتحاد طبقه کارگر
اندیشه ای نداشت ، را پیش خواهیم
برد.

پنهان که علیه او می شد به راه مردمی خود ادامه می داد.

شرایط عمومی اسفناک و بسیار نامناسب زندان های ایران آنچنان تلخ و تحمل ناپذیر است که حتی مسئولان امور خود نیز معترف به آن بوده و آنرا تکرار می کنند. این شرایط سخت و دشوار به ویژه در زمینه امور بهداشتی پزشکی در رویداد تلخ مرگ آن زنده یاد بسیار موثر بوده است. مسلماً اگر او زندانی نبود بسیاری از گرفتار های خانوادگی ناگوار و مرگ زود هنگام بر او روی نمی داد. خون بهای مرگ باور نکردنی زنده یاد شاهرخ زمانی این کارگر ستم دیده به عهده کسانی است که عهده دار امور حقوق زندانیان هستند.

شاهرخ زمانی از آغاز دوره جدید کوشش جنبش سندیکای کارگری ایران که از اوایل دهه هشتاد گسترش یافت در راه ایجاد و اتحاد و یکپارچگی نیروهای مدافع حقوق کارگری و برقراری سندیکای کارگران نقاش ساختمانی فعالیت نموده و همچنین از دوستداران

مسئولان مرگ مدافع حقوق کارگری، زنده یاد شاهرخ زمانی را محکوم می کنیم!

زنده یاد شاهرخ زمانی کارگر زحمتکش نقاش ساختمانی بیشتر عمر خود را در راه اندیشه و تلاش برای آرمان های عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان و محرومان فدا نمود و در این راه تا آنجا پیش رفت که در این مسیر به حکم سنگین یازده سال زندان محکوم شد و بیش از پنج سال محکومیت خود را در زندان های مختلف که آخرین آن زندان جان فرسای رجایی شهر بود گذراند.

آن زحمتکش شریف اخلاق و رفتارش در زندان پیوسته مورد تایید هم بندانش بود و او همیشه برای کمک به دیگر زندانیان آماده فداکاری و گذشت بود او تا لحظه آخر عمر خویش مدافع آرمان های مردمی و عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و زحمت کشان به ویژه حقوق سندیکای کارگران بود و علی رغم آزار و اذیت های پیدا و

مانا

مرگ نقطه پایان زندگی شاهرخ زمانی نیست. پیامش همچون خودش زنده و مانا - متحد شویم و شب رابه صبح برسائیم.

سالها بگذشت.

سالها و باز در تمام پهنه البرز

وین سراسر قله مغموم و خاموشی که می بینید

وندرون دره های برف آلودی که می دانید

رهگذرهایی که شب در را می مانند

نام آرش را پیاپی در دل کهسار می خوانند

و نیاز خویش می خواهند

با دهان سنگ های کوه آرش می دهد پاسخ

می کند شان از فراز و از نشیب جاده ها آگاه

می دهد امید ، می نماید راه.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۳۹۴/۶/۲۲

سندیکای کارگران شرکت واحد بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد به حکم وظیفه همبستگی کارگری و دفاع از حق و عدالت و آزادی همراه با محکوم کردن مقصران مرگ غم بار این انسان کارگر شریف به خانواده دغدار ایشان و همکاران و عموم کارگران فداکار راه حق و عدالت اجتماعی و آزادی تسلیت گفته و خواستار مجازات مقصران و رعایت حقوق خانواده و بازماندگان آن زنده یاد می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۳ شهریور ۱۳۹۴



قتل عمد و غیر عمد

می داند که این هزاران نفر اجبارن قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است درست مثل قتل عمد توسط یک فرد، قتلی پنهانی و خائفانه، قتلی که هیچ کس نمی تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتلی که ظاهرن قتل نیست، زیرا که کسی قاتل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی است تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد، محرز است.

" فریدریش انگلس
وضع طبقه کارگر در
انگلستان "

زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم، و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد آنگاه عمل او را قتل عمد می نامیم. هنگامی که جامعه صد ها پرولتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آن ها بطور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آن ها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی که آن ها را به زور چوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد وقتی جامعه می داند و به خوبی هم

در تشییع جنازه حَسُون

در گیر و دار این ناله ها

از پدرم پرسیدم:

"مگر مردگان را به اتاق بازجویی

می برند؟"

گفت:

"نه پسرم! آن ها از اتاق بازجویی

خارج می شوند!"

احمد مطر

شاعر فلسطینی

همسایه ی ما حسون،

دیشب مرد

جسدش را که تشییع می کردند

در پی تابوت خویشانش ناله بر می

آوردند که:

"وای بر تو حَسُون!

آیا پیام آوران مرگ،

تو را این گونه می برند؟

به سوراخی تاریک که برای تنگی

هم جا نیست؟

حسابرسان بر گردت

به محاسبه جمع می شوند

و می پرسند

و می پرسند

و می پرسند!

وای بر تو حَسُون"

دستگیری ها یک پیام مشخص دیده می شد که آن توقف کوشش های صنفی و اجتماعی است.

ما ضمن اعتراض به این بازداشت ها و آزادی هرچه سریعتر این کوشندگان به همه کوشندگان و سازمان گران سندیکایی و صنفی می گوئیم اگر خواهان توقف این روال ضدکارگری و صنفی هستیم چاره ای جز اتحاد با هم نداریم. اگر سرمایه داری داخلی و خارج از مرزها برای نابودی سندیکالیست ها و کوشندگان صنفی متحد شده اند ما نیز باید متحد شویم و به این سیاست باز دارنده نقطه پایان بگذاریم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۳۹۴/۶/۱۶



بازداشت فعالان صنفی و اجتماعی چه هدفی را دنبال می کند؟

بازداشت کوشندگان صنفی آموزگاران محمود بهشتی لنگرودی ومهدی بهلولی و محمدرضا نیک نژاد و میلاد درویش مستندساز و ابلاغ حکمی جدید برای بهنام ابراهیم زاده در هفته گذشته که پس از بازداشت اسماعیل عیدی و علی اکبرباغانی صورت گرفت در حقیقت حذف فعالان صنفی و متوقف کردن اعتراضات صنفی و خواسته های پیرامونی آن است. ما در اطلاعیه ها و مقالات کارگری بارها متذکر شدیم که سرمایه داری حاکم در ایران در دیدار هایی که با مدیران ارشد صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی در ماه گذشته در روزنامه ها منعکس شد، داشته اند اجرای فرامین آنان را همچون دولت گذشته پیگیری خواهند کرد. یکی از خواسته های صندوق بین المللی پول حذف و نابودی کوشندگان کارگری و صنفی است تا بتوانند با خاطری آسوده در ایران از کارگر ارزان و بدون هر گونه پوشش قانونی استفاده کند. از اوایل سال جدید ما با موج دستگیری های کوشندگان سندیکای شرکت واحد و کانون صنفی معلمان و دیگر کوشندگان کارگری روبرو بوده ایم که در همه این

به آغوش جامعه و خانواده هایشان باز برگردانید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تا آزادی این کوشندگان همراه و همگام کانون صنفی معلمان ایران است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک از همه سندیکاهای کارگری برادر در جهان تقاضا دارد از هرگونه تلاش برای درخواست آزادی این کوشندگان دریغ نورزند.

گسترده تر باد اتحاد کارگران و آموزگاران

سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک

۱۳۹۴/۵/۱۸



آموزگاران دربند را آزاد کنید!

پنج روز از اتمام حبس رسول بداقی، آموزگار تلاشگر کانون صنفی معلمان ایران می گذرد و او همچنان بدون هیچ دلیلی در بازداشت به سر می برد. جز او ۴ تن دیگر از کوشندگان و سازمان گران آموزگاران در زندان هستند. حذف این آموزگاران از جامعه آموزشی به سود چه کسانی است؟

ما به همراه کانون صنفی معلمان ایران دربند نگاه داشتن این کوشندگان را به زیان جامعه و دانش آموزان و منافع ملی می دانیم. این کوشندگان جز حق خود از ثروت ملی این کشور و بهبودی وضعیت آموزگاران و سمت گیری آموزش این کشور به سود استقلال و آزادی و شکوفایی دانایی هیچ نمی خواهند. آیا به زعم حکومت گران خواسته زیادی دارند؟

خواست همه کوشندگان صنفی از قوه قضاییه این است: رسول بداقی و دیگر کوشندگان صنفی را

کارگر داشته باشد، آگاه شود و بی دریغ از این مبارزات حمایت کند.

کنگره جهانی آموزش بین الملل (فدراسیون جهانی تشکل ها و اتحادیه های معلمان و کارکنان آموزش و پرورش) نیز، که اخیراً در شهر اتاوا پایتخت کانادا با شرکت نمایندگان تشکل های معلمان از ۱۷۰ کشور جهان برگزار شد، در آخرین روز خود، موقعیت معلمان در ایران و مبارزات و مصاف های آنان را در دو قطعنامه فوری به بحث گذاشت. طی این بحث، تداوم اذیت و آزار معلمان و دستگیری و حبس فعالین فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت، و سپس با حمایت قاطع نمایندگان حاضر در کنگره، قطعنامه های اضطراری به تصویب رسید. مفاد قطعنامه ها، ضمن تاکید بر تعهد "آموزش بین الملل" و تشکلات وابسته به آن به مبارزه برای آزادی معلمان زندانی در ایران، از "آموزش بین الملل" و تشکلات وابسته می خواهد که همچنان به حمایت خود از فعالیت

پاینده باد اتحاد و همبستگی معلمان ایران

معلمان ایران که توده وسیعی از طبقه کارگر کشور ما را تشکیل می دهند در مبارزه برای افزایش حقوق و بهبود شرایط کار خود، در مبارزه برای خواست های فرهنگی و اجتماعی و در مبارزه برای ایجاد اتحادیه حرفه ای خود و نیز برای آزادی معلمان مبارز بازداشت شده و زندانی به اعتراضات جمعی و خیابانی پرداخته اند. آنان توانسته اند با اعتراضات جمعی خود آزادی برخی از معلمان زندانی را به دست آورند.

معلمان ایران بی شک در مبارزه خود از پشتیبانی کل طبقه کارگر ایران، از پشتیبانی فعالان کارگری و سندیکا‌های کارگری برخوردار خواهند بود. طبقه کارگر ایران باید به اهمیت مبارزات معلمان ایران و به ویژه به مبارزات رادیکال معلمان، که می تواند اهمیت سیاسی و فرهنگی بالایی برای طبقه

جوابیه نامه درخواست مجمع عمومی سندیکای فلزکارمکانیک از وزارت کار

در پی رد درخواست سندیکای کارگران فلزکارمکانیک برای برپایی مجمع عمومی این سندیکا توسط وزارت کار، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن نوشتن جوابیه ای برای وزارت کار موارد نقض و تناقضات آشکار در قانون کار و عملکرد وزارت کار را متذکر شد. وزارت کار با نوشتن یک نامه به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک متاسفانه به سوالات نه تنها پاسخ نداد بلکه با این جوابیه به ابهامات دیگری دامن زد. ما با درج نامه سندیکا و جوابیه وزارت کار قضاوت را به خوانندگان واگذار می کنیم:

از : سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

به : مدیرکل سازمان های کارگری
و کارفرمایی وزارت تعاون ، کار و
رفاه اجتماعی

بازگشت به نامه شماره ۸-۴-۹۴ سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱۵ جهت درخواست مکان برای برگزاری مجمع عمومی و همچنین جوابیه این مدیریت به شماره نامه ۷۴۱۳۵ به تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ و اعلام

های اتحادیه های مستقل معلمان
ادامه دهند.

ما سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن ضرب و شتم و دستگیری معلمان خواهان آزادی بی قید و شرط همه معلمان و کارگران زندانی هستیم و پشتیبانی خود را از مبارزات متحد معلمان، به ویژه برای ایجاد اتحادیه یا سندیکای معلمان در سراسر کشور و اتحاد و همبستگی مبارزاتی آنان اعلام می کنیم.

با آرزوی اتحاد بزرگ همه

کارگران و زحمتکشان برای

رهایی همه معلمان زندانی، برای

رهایی همه فعالان کارگری و همه

زندانیان سیاسی و عقیدتی.

سندیکای کارگران نیشکر

هفت تپه ۷ مرداد ۱۳۹۴



«...هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت...» از طرف تدوین کنندگان مطرح گردیده است تا در آینده حاکمان برای تشکلهای مانع و محدودیت ایجاد نکنند. مقدمه قانون اساسی که همچون خود قوانین شمرده می شود در رابطه با محدود کردن عملکرد حاکمان آینده اعلام گردیده است که: «...قانون اساسی تضمین گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می کند.» آیا جوابیه شما را می توان «...سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان...» تعبیر کرد.

۲ - تاکید ما بر اصل ۲۶ قانون اساسی دایر بر: «...هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت...» به این دلیل است که زور و فشار را برای قبول یک تشکل خاص از طرف هر کس مردود شمرده است. البته شما می توانید این تاکید را در ماده ۱۷۸ قانون کار با وضوح بیشتری ببینید:

« وفق مقررات اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، تشکل های صنفی پس از فرایند قانونی، تحت عنوان " انجمن صنفی " فعالیت می نمایند» به اطلاع می رساند که:

۱- با توجه به مقام و شان قانون اساسی که بالاترین مرجع تعیین روابط بین مردم ایران و مجریان قانون است و بی تردید بالاتر از قوانین پس از خود از جمله قانون کار و دیگر قوانین می باشد به اطلاع می رساند که اصل ۲۶ قانون اساسی دایر بر « احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، آزادند مشروط به این که اصول آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نفی نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» در این قانون تنها در صورتی که «...آزادی، وحدت ملی، و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نفی شود...» تشکلی طبق این بخش از قانون، قادر به تشکیل نیست. همچنین بلافاصله موضوع

جمله خبری که در سایت شما درج گردیده را نقل می‌کنیم:

« باتوجه به حضور جناب آقای کامران فنی زاده ، معاون دپارتمان مدیریت کار و سه جانبه گرایی سازمان بین المللی کار در تهران ، مورخ ۹۴/۴/۹ جلساتی با حضور نامبرده ، جناب آقای نظری - مدیرکل محترم - معاون و روسای ادارات اداره کل در محل اداره کل برگزار گردید . در این جلسه آقای فنی زاده سوابق تعامل گذشته فی مابین وزارت متبوع و سازمان بین المللی کار و توافق سه جانبه ای را که در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳ در جهت بازنگری قوانین و مقررات ناظر بر تشکل های صنفی کارگری و کارفرمایی به عمل آمده بود تشریح نمودند . متعاقبا مبانی اسنادردهای بین المللی کار در این زمینه مورد بحث و گفتگو قرار گرفت . در ادامه با توجه به ضرورت روزآمد کردن مقررات مرتبط با تشکل ها، کلیاتی از مقررات مذکور نیز مورد بررسی قرار گرفت»

۴ - می خواهیم توجه اتان را به قانون کاری که شما باید مجری اش باشید و از تمامی قوانین آن اطلاع

ماده ۱۷۸ - هرکس ، شخص یا اشخاص را با اجبار و تهدید وادار به قبول عضویت در تشکل های کارگری یا کارفرمایی نماید، یا مانع عضویت آنها در تشکل های مذکور گردد و نیز چنانچه از ایجاد تشکل های قانونی و انجام وظایف قانونی آنها جلوگیری نماید ، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جرمه نقدی از ۲۰ تا ۱۰۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر در تاریخ حکم یا حبس از ۹۱ روز تا ۱۲۰ روز و یا هر دو محکوم خواهد شد.

۳ - در خصوص فعالیت تحت عنوان انجمن صنفی باید به اطلاع شما برسانیم که انجمن صنفی یک کلمه عام می باشد که به هر تشکل صنفی اطلاق می شود و چنانچه شما و مشاوران حقوقی اتان به مذاکرات خبرگان قانون اساسی مراجعه نمایید می توانید تعبیر انجمن صنفی را از آنجا طبق گفته های بالا متوجه شوید . سندیکا یک تشکل شناخته شده بین المللی و تاریخی در ایران است که شما هم در گفتگوهایتان با مسولین سازمان جهانی کار از همین لفظ در مذاکراتتان استفاده می کنید. از

ایران..... و حتا با آنها مذاکره می فرمایید و هیچ گاه هم به یاد تذکر داده به ما به آنها نمی افتید. این سیاست یک بام و دو هوا چرا در وزارت کار دنبال می شود بر ما پوشیده است.

جناب آقای دلاور نظری ،

با توجه به موارد بالا و تاکید دوباره بر اجرای قانون بخصوص اصول ۲۶ و ۲۷ و اصل نهم قانون اساسی دایر بر « هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات ، سلب کند.» درخواست برگزاری ۱۳ مین مجمع عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به شماره ثبت ۳۴ آن وزارت خانه به سال ۱۳۳۹ را در یکی از سالن های وزارت کار و یا سازمان تامین اجتماعی را داریم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



داشته باشید جلب کنیم که کلمه سندیکا به عنوان نماینده کارگران ۲ بار در قانون کار آمده است که به آن اشاره می کنیم.

تبصره ۲ از ماده ۱ آیین نامه اجرای طبقه بندی مشاغل در کارگاه ها: **تبصره ۲: اتحادیه یا سندیکای کارفرمایی و کارگری یک صنعت - یک حرفه و حتی یک فعالیت خدماتی.....**

تبصره ماده ۳ آیین نامه اجرای طبقه بندی مشاغل در کارگاه ها: **تبصره: منظور از نماینده کارگران در این آیین نامه عبارت است از نماینده سندیکای حایز اکثریت کارگران کارگاه.....**

۵ - طنز قضیه آنجا بیشتر می شود که شما تمامی تشکل های کارفرمایی را که نام سندیکا را یدک می کشند را قبول نموده و مانع فعالیتشان نمی شوید. از جمله سندیکای صنعت برق ایران ، سندیکای شرکت های تولید کننده برق، سندیکای تولید کنندگان لوله و پروفیل ایران، سندیکای تولید کنندگان مواد دارویی ، شیمیایی و بسته بندی، سندیکای تولید کنندگان تجهیزات فن آوری اطلاعات

شود نه قانون اساسی. ۷ - بقیه کارگران که در خوابگاه ها ساکن هستند شامی که در پارس جنوبی دریافت می کنند، یک قوطی کنسرو ماهی را با کمی سیب زمینی و زردچوبه مخلوط می کنند و در چهار ظرف برای چهار نفر می فرستند. یا ۲-۳ برگ نازک کالباس را با چند تکه خیارشور و یک عالمه نان ماشینی سر شار از جوش شیرین را به عنوان شامی که باید نیروی از دست رفته اش را باز تولید کند در اختیار کارگران قرار می دهند. ۸ - در صورتی که کارگران غیر بلوچ که معمولاً شیعه هستند به عنوان کمکی استخدام می شوند و دارای خوابگاه و سه وعده غذا هستند (البته تنها امتیازی که این کارگران دارند همان خوابگاه است والی آنها هم بیمه نمیشوند و بقیه عوارض بی قانونی ها). شرکت های بزرگ که با رانت، کاری بزرگ را در پروژه به دست می آورند؛ چرا خود کار را اجرا نمی کنند؟ و آن را به شرکت های دست دوم و سوم و در نهایت به شرکت های

نیست. برآیند این مناسبات ۱ - کارگرانی که دوست و آشنایی ندارند و تنها برای کار مراجعه کرده اند در پیاده رو ها و پارک ها روی کارتن می خوابند. ۲ - در صورتی که گروهی آمده باشند اتاقی کرایه می کنند بدون هیچ امکانات که برای هرنفر ماهانه ۸۰ هزار تومان هزینه دارد. ۳ (۱۸-۲۰ نفر در یک اتاق) - کرایه و هزینه کولر گازی برای هر نفر ۱۲۰ هزار توان در ماه می شود. ۴ - کرایه روزانه ماشین تا پالایشگاه و برگشت آن برای هر نفر ۴ هزار تومان می شود. ۵ - بدون بیمه تأمین اجتماعی. ۶ - بدون قانون کار، زیرا به فرمان دولت های پس از جنگ همه ی مناطق صنعتی ایران جزو مناطق آزاد یعنی آزاد از قانون کار که برگرفته از قانون اساسی کشور است یا آزاد از قانون اساسی که چیزی است مشابه ماده ۱۰ رضا خانی که آزادی انقلاب مشروطه رامطلقه کرد، است. چون در این مناطق می باید اصول اساسی صندوق بین المللی پول کاربردی

اینجا هم تنها کاری که بدست آورد کشیدن کابل های سنگین مسی است بدون غذا بدون بیمه بدون خوابگاه، چرا؟! آیا دولت در مقابل این تجاوزات بی رحمانه ی نهاد هایش پاسخ گو هست؟ آیا قانون اساسی هنوز اعتباری دارد؟ (۲ - عبدو وحید سخنور دانشجوی رشته جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه ملی زابل ترم ۷، کابل کش ۳ - محمد انور اسکانی رشته معارف اسلامی ترم ۴ کابل کش . آیا مشاوران ارشد اقتصادی دولت های پس از جنگ، عالی جنابان دکتر نیلی و غنی نژاد عوارض سنگین فاجعه انسانی را که باورهای فراماسیونی آنها ایجاد کرده است بررسی کرده یا می کنند؟ یا ملت ایران باید قربانی سیاست های نو لیبرالی آنها بشوند؟ که به صورت فاجعه باری شده اند. فرار جوانان از ایران ابعاد حیرت انگیزی یافته به خصوص در میان تحصیل کرده های دانشگاه ها و از جمله نخبگان دانشگاه ها، در این میان آمریکا و کانادا و اروپا بدون یک ریال هزینه؛ این سرمایه های

منپاوری (دلالی کار) واگذار می کنند؟! چرا دولت برنامه ریزی می کند این شرکت ها میلیارد دلاری سود ببرند، ولی به قیمت پایمال کردن حقوق کارگران و لگد مال کردن حقوق قانونی آنها؟ کارگران بلوچی که با ترس حاضر شدند نامشان نوشته شود ۱ - عبدالله کد خدایی ۷ سال در هتل لپیپارچابهار به عنوان لوله کش کار می کرده و بیمه تأمین اجتماعی پرداخت کرده است، به او اعلام شد به کار شما نیازی نداریم(در چابهار) ولی یک کارگر زابلی که شیعه مذهب بود به جای او استخدام گردید(آیا کارگر چابهار حق اشتغال ندارد؟ آیا در قانون اساسی ذکر شده است که اقلیت های مذهبی و اندیشه ای حق اشتغال ندارند؟ آیا یک زابلی در چاه بهار بومی محسوب می شود؟ و یک چاه بهاری غیر بومی آنجاست؟ اکثر شاغلین چابهار زابلی هستند و فرزندان دانشگاه رفته این دیار باید در عسلویه کابل کشی کنند) در حالی که عبدالله فرزند دانشگاهی داشت همه ی شکایت های او بی نتیجه شد. در

کدامین نا کجا آباد می رود؟! سرمایه های ملی یک کشور جوانان آن است نه معادن کانی، نفت و گاز و . . . پیش از مناسبات ضد انسانی نولیبرالی در کشور هایی چون ژاپن و کشور های اروپایی با آموزشگاه های حرفه ای و دانشگاه ها، این سرمایه های ابدی را آموزش و پرورش می دادند. و دیدیم کشور هایی که یک هزارم منابع زیر زمینی ما را ندارند، آنقدر به پیش رفته اند که ما چند صد سال دیگر هم به امروز آنها نمی رسیم. ولی در کشوری با این همه منابع بی پایان، جوانان این سرمایه های ملی بوسیله مناسبات اقتصادی که دولت های پس از جنگ پیش گرفته اند به عمد لگد مال می شوند تا از این دیار کوچ کنند و آمریکا و کانادا و . . . راغنی نمایند.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

ایران شهریور ماه ۹۴

پارس جنوبی

ملی را که در ایران و در عمل برایشان ارزشی قایل نیستند، می قاپند. به معرفی دوتن از این جوانان فوق کارشناسی که به عنوان کارگر کمکی، کار یک کارگر بدون تخصص و بی سواد را انجام می دهند می پردازم. ۱ - محمد رضا کازرونی که کارشناسی ی را درماهشهر با گرایش مهندسی شیمی و در شهرضا فوق کارشناسی را در مهندسی شیمی (پالایش) با رتبه اولی به پایان رساندند پس از سه سال جستجوی کار به عنوان کارگر کمکی در شرکت استیم در فاز ۲۱-۲۰ عسلویه مشغول به کار شدند. در حالی که پسر خاله های کم سواد ولی با روابط خاص، مدیریت های پروژه ها را به بعهده دارند ۲ - حامد کریمی کارشناس آزاد بروجن و ارشد دانشگاه شهرضا با گرایش مهندسی فرآیند، در پروژه به عنوان یک کارگر ساده در عسلویه و در فولاد آلیاژی یزد، به عنوان کمک برق کار کار کرده و امروز مجبور به ترک کار شده است. راستی این روند به

یک اعتصاب موفق

Kmkoomak.wordpress.com

شنبه ۱۷ مرداد ۹۴ در صنایع بزرگ پارس جنوبی در شرکت او.دی.سی.سی(طراحی و ساختمان نفت) شاهد یک اعتصاب استثنایی بودیم. چهار شرکت دسته سومی این شرکت معروف و بزرگ سازنده تاسیسات نفت و گاز و پتروشیمی که همه ی بخش اجرایی پروژه را به عهده دارند با هم دست به اعتصاب زدند، کاری که طبق قوانین صندوق بین المللی پول در ایران مجازاتش شلاق و زندان و از همه بدتر بلک لیست است. (شیوه مک کارتیسیم – آمریکایی که در همه دنیا ترد شده ولی دلالان – صنعتی وطنی با کمک و پشتیبانی دولت و حراست پالایشگاه ها آن را کاربردی نموده اند) مناسباتی که نفی عملی آن مواد قانون اساسی است که اشتغال را حق هر ایرانی دانسته و برای پیش گیری از تجاوز سرمایه داران به حریم حقوق کارگران قانون کار را براساس مواد قانون اساسی

تنظیم کرده است. این بار کارگران با شیوه دیگری وارد میدان مبارزه برای دریافت حقوق توافق شده ولی پرداخت نشده اشان گردیدند. مدیر پروژه به همه ی کارگران اعلام نموده بود که نمی تواند یک ماه حقوق کامل بدهد آن هم پس از بیش از ۳ ماه و تنها نصف یک ماه را پرداخت خواهد کرد. این اعلام به یک بحران پنهان در میان کارگران منجر شد ولی هیچ آدم فروشی متوجه نشد کارگران کی و کجا در باره ی اعتصاب عمومی گفتگو کردند و چگونه به همه ی کارگران خبر دادند که چگونه اعتصاب را آغاز کنند. ولی همه ی این اتفاقات بدون مشکلی به واقعیت بدل شد. شنبه بامداد همه ی کارگران بدون گفتگو در باره یک اعتصاب به محل کارت زنی رفتند و پس از ثبت حاضری به جای رفتن به سوی محل کار همه وارد محوطه کوچک بین دفاتر شرکت شدند و در آنجا بست نشستند. باز هم هیچ کس درباره ی اعتصاب حرفی نمی زد. گروه های کوچکی تشکیل دادند که با هم شوخی می

کارگران بدون یک واکنش خاص بدون گفتگویی که بتواند کسی را در معرض خطر اخراج قرار دهد با ادامه ی سکوت در باره ی اعتصاب به کار باز گشتند. امروز پنجشنبه ۲۲ مرداد ۹۴ کارگران آن یک ماه را کامل گرفتند و تا پایان ماه امرداد قرار است یک ماه دیگر را دریافت کنند پیمانکار متعهد شده که پرداخت کند والی . . . سرکوب و بی اعتنایی به حقوق زحمت کشان، صداقت را به سایه می راند و فعالیت های زیر زمینی را در دستور کار کارگران قرار می دهد از سوی دیگر دستگاه های گران قیمت سرمایه داراندر معرض استهلاک زود رس قرار می دهد. انگل های اجتماعی هر گز متوجه نمی شوند چرا عمر دستگاه هایشان اینقدر کوتاه است. ادامه ی روند قانون زدایی توسط دولت و حذف قانون کار، جامعه را به سوی بحران ژرف و غیر قابل کنترل می کشاند ولی چون سازمان های صنفی کارگران توسط نهاد های دولتی سرکوب می شود، برآیند این

کردند و جُک می گفتند و می خندیدند در عوض، همه ی کارگاه به کلی تعطیل بود و هیچ کاری صورت نمی گرفت. ماموران حراست با لباسهای ویژه بین بست نشسته ها قدم می زدند ولی هیچکس هیچ حرکت تحریک آمیزی که به آنها بهانه ی بگیر و به بند را بدهد انجام نمی داد. زمانی که مورد پرسش قرار می گرفتند همگی یک پاسخ می دادند ۴ ماه حقوق طلب داریم یک ماه آنرا می خواهیم و دیگر اجازه نمی دادند گفتگو، بیشتر از این باز گردد و به شوخی های خود با دوستانشان ادامه می دادند. دقیقه خسارات مالی به پیمانکاران به صورت تصاعدی اوج می گرفت. بست و سکوت توام با تعطیلی کار؛ پیمانکاران را فلج کرده بود هیچ بهانه ای هم برای سرکوب نداشتند، نمی دانستند اتهام اخلال در امنیت ملی یا . . . به باید بزنند. ساعت ۱۰ کارفرما مجبور شد در مقابل جمع حاضر شود و اعلام کند تا آخر هفته یک ماه حقوق را پرداخت می کند. باز

خصوص از نظر قوانین " بازار آزاد" که معیار همه ی ارزش های الهی - مکتبی و نولیبرالیستی دولت های پس از جنگ در ایران شده است. یک طرف قرارداد که به تعهد خود، یعنی پرداخت ماهانه حقوق عمل نمی کند، باعث می شود طرف مقابل که کارگران هستند متقابلاً دست از کار بکشند. نه خلاقی صورت گرفته و نه درگیری، ولی برادران حراست این وضعیت را مترادف با شورش و بهم خوردن امنیت ملی تلقی می کنند و ماموران خود را برای شناخت "خرابکاران" به میان جمع می فرستند. در ساعت های اولیه برای ایجاد وحشت چند کارگر راکه به خود اجازه داده بودند رودر روی مدیران مطالبه حقوقشان را بکنند اخراج کردند و آنها با خونسردی برگه های تسویه حساب را گرفتند و به سوی کارگزینی رفتند مدیر جوان که تصور می کرد توانسته کارگران به وحشت بیندازد اعلام کرد: یا به سر کارتتان بروید و یا بروید تسویه حساب او هر گز تصور نمی کرد

بحران تنها ویرانی خواهد بود که دامان همه را خواهد گرفت.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران ۲۲ مرداد ۹۴



اول شهریور ۹۴ طبق روال همیشگی پیمانکاران وطنی که برای نیروی کار هیچ ارزشی قایل نیستند مدیریت جوان و بدون تجربه این شرکت بزرگ وابسته به خودی های کلان، به قول پرداخت حقوق عمل نکرد. ولی کارگران بر سر تهدید خود برای اعتصاب پایدار بودند. از بامداد اول شهریور ماه همه ی کارگران در محل کارگاه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب این گونه ای در ایران یک حرکت قانونی است. به

گزارشات خبرنگار پیام سندیکا



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو:

با اتمام مذاکرات هسته ای و آمدن کارخانه های بزرگ دنیا از جمله بنز برای بستن قرارداد و تولید ماشین های این کارخانه ها توسط ایران خودرو و همچنین مذاکرات مشترک با مدیران کارخانه پژو از یکماه پیش تولید ایران خودرو ۵۰ درصد کاهش یافت. بخشی از این کاهش تعطیلات تابستانی کارگران و کارکنان ایران خودرو بوده است. شایعه تعطیلی کارخانه ایران خودرو صحت نداشته و کماکان سالن های پژو ۲۰۶، سمند، پژو ۴۰۵، رنا، ال ۹۰ و سالن های رنگ با کاهش ۵۰ درصدی تولید به کار خود ادامه می دهند. هرچند

به یک باره همه ی کارگران تقاضای تسویه حساب کنند. بخش جوشکاران، لوله کش های صنعتی، داربست بندها و به کلی کارگاه بزرگ از کار افتاد. زیان همین یک روز توقف پروژه، از حقوق چهار ماهه کارگران بسیار فرا تر است. در نهایت برادران ضد شورشی نتوانستند کسانی را به عنوان آشوب گر تحویل حاکم شرع بدهند تا بی درنگ حکم شلاق و زندان را برای کارگرانی که طبق اصول و قواعد بازی پیشنهادی دولت های پس از جنگ تنها مطالبه حقوق قانونیشان را می کنند صادر کنند.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

ایران ۱ شهریور ۹۴

پارس جنوبی

نجومی، کار کرده اند. دستمزد یک کارگر رسمی و یک کارگر روزمزد ایران خودرو در مجموع در حدود ۲ میلیون پانصد هزار تومان است و حقوق مدیر ایران خودرو در ماه بیش از ۱۰۰ میلیون تومان است.

بی تردید کارگران ایران خودرو با این افشاگری های مدیران ایران خودرو در اوایل پاییز برای دستیابی به بخشی از حقوق انسانی خود حرکت های اعتراضی را سازمان خواهند داد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۱۳۹۴/۶/۱۲



سندیکای کارگران فلزکار مکانیک
تاسیس ۱۳۳۹
ثبت وزارت کار ۳۴
بازگشایی ۱۳۸۴

مدیران شرکت مدعی هستند که فروش مانند گذشته ادامه دارد.

در این میان اظهارات مدیران ایران خودرو و وزیر دولت باعث گفتگوهایی میان کارگران این کارخانه گشته است. آیا قطعات ایران خودرو در ایران تولید می شد؟ و یا از خارج وارد می شده است؟ اینها سوال هایی است که باید جواب داده شود. اگر این قطعات از خارج وارد می شد چرا مدیران ایران خودرو و دولت در کاهش قیمت محصولات ایران خودرو لجاجت می کنند؟ اگر در داخل تولید می شود چرا ایران خودرو بدهی خود را به قطعه سازان پرداخت نمی کند و باعث بیکاری بیش از ۱۵۰ هزار کارگر در این بخش شده است.

آنچه که آشکار است سودهای نجومی است که این سالها به جیب آقایان رفته و نمی خواهند این سودهای نجومی را از دست بدهند. بیش از ۲۵ سال است که کارگران ایران خودرو با کمترین دستمزد در قبال کار انجام شده و سودهای

این پروژه هم پیشرفتی خواهی دید. کارگران این تعاونی با قرض و فروش لوازم منزل تاکنون مبلغ ۱۶ میلیون به شرکت هسا یک که یک شرکت دولتی و در اختیار وزارت دفاع است پرداخت نموده اند.



اکبرخداپرست کارگر آسیب دیده کارخانه فولاد به کشور بازگشت

اکبرخداپرست ، حاجی حیدری، مجید بابایی، حیدری ، طالبی کارگرانی هستند که در حادثه مرگبار انفجار پیش آمده در کارخانه فولاد مجروح شدند. که از این میان سه کارگر به آلمان برای

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مسکن مهر پرند

در آخرین بازدیدی که در هفته گذشته چند تن از اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک از پروژه پرند داشتند متأسفانه مشاهده شد که مدت ۳ سال است که پروژه مسکن مهر فاز ۶ بلوک های ۲۴۶ و ۲۴۷ هیچ پیشرفت کاری نداشته است. از تحویل این دو بلوک که متعلق به کارگران فلزکارمکانیک می باشد مدت ۳ سال می گذرد و به جز گرانی های هرساله و خواستن پول از اعضای این تعاونی فعالیت دیگری مشاهده نمی شود. مسکن مهری که قرار بود با ۷ میلیون آورده متقاضی در ۴ سال پیش به او داده شود با افزایش ۳۰۰ درصدی هنوز تکمیل نگردیده و اعضای این تعاونی همچنان سرگردان هستند. البته مدیران و آقای وزیر هر از گاهی مبادرت به سخنرانی نموده و اعلام می کنند که تا آخر آذر امسال مسکن کارگران داده خواهد شد ولی اگر از سنگ حرکتی دیدی در

علل افزایش سوانح کار چیست؟!

انفجار در ذوب آهن اصفهان و
مرگ دلخراش کارگران



با انفجار در کنورتور شماره دو ذوب آهن اصفهان در بامداد پنجشنبه، هژدهم تیر ماه، سه تن از کارگران کشته و چند نفر دیگر زخمی شدند. عملیات تعمیرات اساسی واحد کنورتور شماره دو کارخانه ذوب آهن اصفهان (قسمتی از خط تولید کارخانه ذوب آهن اصفهان که انفجار در آن اتفاق افتاده است) از حدود دو هفته پیش آغاز شده بود. در جریان عملیات تعمیرات اساسی این بخش از کارخانه ذوب آهن اصفهان، کارگران زیادی مشغول کار بودند که برخی از آنها در استخدام خود

مداوا رفته و سه تن دیگر هم در این حادثه کشته شدند. اکبر خداپرست که دو هفته پیش به ایران بازگشت گفت از موضوع حادثه چیزی به خاطر ندارد. در این حادثه مرگبار که به دلیل عدم ایمنی مناسب روی داد نه تنها بخش ایمنی کارخانه فولاد بلکه وزارت کار نیز مقصر است. وزارت کار با تعطیل کردن بخش بازرسی ایمنی آن وزارت خانه نه تنها در کارخانه فولاد و ذوب آهن بلکه در سراسر کشور کارگران را به سمت مرگ سوق می دهد. متأسفانه این گونه حوادث نه تنها در رساه ها منعکس نمی شود بلکه بدون هیچ گونه آسیب شناسی لاپوشانی می شود. اگر واحدهای نظارتی سندیکای کارگری در کارخانه ها فعال باشند بی تردید این گونه حوادث رخ نخواهد داد و خانواده های کارگری هم داغدار نخواهند شد.

روابط عمومی سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک ۱۳۹۴/۶/۱۳

حوادث شغلی همچنان به کشتار کارگران ادامه می دهد!



مرگ ۶۵۷ کارگر تنها در ۱۲۴ روز

بر اساس آمار رسمی سازمان پزشکی قانونی ایران، ۶۵۷ نفر تنها در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۴ در اثر حوادث حین کار جان خود را از دست داده‌اند. رقمی که نسبت به مدت مشابه سال قبل چهار درصد افزایش داشته است. بر اساس این آمار که خبرگزاری ایلنا به نقل از سازمان پزشکی قانونی منتشر کرده در این مدت ۱۰ هزار و ۱۰۹ نفر مصدوم حوادث کار به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده اند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲.۴ درصد رشد داشته است.

مجتمع و برخی دیگر در استخدام شرکت‌های پیمانکاری قرار داشتند.

بی توجهی مسولان کارخانه ذوب آهن و سهل انگاری بخش بازرسی وزارت کار در عدم نظارت به ایمنی کارخانه ها و عدم رعایت ایمنی در محیط های کار از علل اصلی انفجار در ذوب آهن اصفهان و مرگ دلخراش کارگران و دیگر سوانح کار است. افزایش نگران کننده سوانح کار در سال های اخیر نشانه دیگری از پایمال شدن حقوق کارگران میهن ماست.

کارگران ایران قربانی عدم رعایت ایمنی و بهداشت محیط های تولیدی- صنعتی هستند. سودجویی کارفرمایان، سیاست ضد کارگری بویژه در وزارت کار و تحمیل تحریم های مداخله جویانه از طرف سرمایه داری جهانی به افزایش سوانح کار انجامیده است.

گسترش پوشش بیمه تکمیلی است که در نبود خدمات مطلوب تامین اجتماعی مشکلی را بر مشکلات کارگران ذوب آهن افزوده است.

متأسفانه با انتقال مدیریت بیمه و اموال به ساختمان قدیمی طب صنعتی در محدوده ساختمان رسالت و دور بودن کارگران از این ساختمان برای کارگران مستقر در اکثر نقاط کارخانه موجب ناراحتی گردیده است. چرا که برای تایید فاکتورهای پزشکی کارگران مجبورند به این اداره مراجعه کنند. کارگران خواستار اقدام مناسب در جهت رفع این دوری راه هستند.

البته کارگران ذوب آهن هماهنگ با کارگران ایران مهمترین خواسته اشان اجرای قانون تامین اجتماعی و پوشش همگانی بیمه تامین اجتماعی به بیمه گذاران هستند تا بخشی از درآمدها به جیب تاجران بیمه تکمیلی نرود.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن اصفهان



به مشکلات و خواسته های کارگران ذوب آهن رسیدگی کنید

یکی از مشکلات کارگران ایران و بخصوص کارگران ذوب آهن خدمات پزشکی است. سالهاست که تامین اجتماعی از قراردادی که با کارگران دارد و همانا خدمات دهی صفر تا صد به بیمه گذاران است سرباز زده و هر روز خدماتش را کمتر می کند و با ترفندی ضد کارگری کارگران مجبور باشند با بیمه های خصوصی به نام بیمه های تکمیلی قرارداد نوشته و بخشی از درآمدها را تقدیم سرمایه داری فعال در حوزه بهداشت و درمان بپردازند. یکی از خواسته های کارگران ذوب آهن بهبود و تقویت خدمات دهی و

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از

اعتصاب و اعتراض در کارخانه میان آب



طبق گزارش خبرنگار پیام سندیکا از روز گذشته شرکت کشت و صنعت نیشکر میان آب که در مجاورت نیشکر هفت تپه قرار دارد به دلیل اخراج کارگران بومی با اعتصاب روبرو گردیده است. این کارگران عرب زبان که از روستاهای مجاور سالهاست بر روی این زمین ها کار کرده و به نوعی زمین مال خودشان است بصورت روز مزد کار می کنند. از سال ها پیش هم اولویت استخدام با این کارگران بوده است. این کارگران از داشتن هرگونه مزایایی محروم هستند و ثمره دست رنجشان نصیب کارفرما شده است. نه حق اولاد و نه بیمه و نه بدی آب و هوا و نه سرویس رفت

و آمد. این کارگران از دیگر مزایایی کارگری بی بهره اند و روزی ۱۲ ساعت در گرمای ۶۷ درجه هفت تپه کار کرده و روزانه ۲۸ الی ۳۰ هزار تومان دستمزد می گیرند. این کارگران که از روستاهای به فاصله ۷ کیلومتری بدون هیچگونه وسیله رفت و آمد و با موتورسیکلت هایشان در سرکار حاضر می شوند و گرمای سخت هوا و گرد و خاک را برای لقمه ای نان به جان می خرنند.

با آمدن مدیرعامل جدید آقای پنبه چی که از شهروندان دزفولی است تعداد زیادی از این کارگران روزمزد با اخراج روبرو گردیده اند. آقای دزفولی برخلاف روال گذشته به جای این کارگران عرب زبان کارگران دزفولی را از فاصله ۷۰ کیلومتری به شرکت کشت و صنعت نیشکر میان آب آورده است و حتا برایشان سرویس رفت و آمد هم تهیه کرده است.

کارگران عرب زبان از این تبعیض زبانی و قومی و اخراج بی دلیل و بیکاری ناراحت شده با

همه قوانین انسانی و خرابکاری در منطقه آمده اند. آنان از بیکاری کارگران استفاده کرده ، کارگران را به جان هم می اندازند تا کارگران مجبور شوند با دستمزدی نازل تر کارکنند .

سرمایه داری کارگران را برده های آرامی می خواهد تا سود بیشتری را نصیبش کنند.

**روابط عمومی سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک ۲۹ / ۵ / ۱۳۹۴**

**خبرنگار پیام سندیکا گزارش می
دهد:**

پس از اعتراض و اعتصاب کارگران کارخانه میان آب هفت تپه در روزهای گذشته مصدوم شدن همسر یکی از معترضین در مقابل درب ورودی کارخانه ، که توسط ما خبرش پخش شد متأسفانه روز پنج شنبه ۵ شهریور نیروهای امنیتی با ورود به روستای میان آب ۲ تن از اعضای شورای روستا به نام های حیات احمدی و

تجمع و تحصن در مقابل درب ورودی شرکت به این عمل مدیرعامل اعتراض کردند. با دخالت نیروی انتظامی و دستگیری چند تن از کارگران ، این تحصن به اعتراض همه کارگران و خانواده هایشان منجر گردید. در این درگیری که با گاز اشک آور همراه بود همسر یکی از کارگران از ناحیه صورت به دلیل برخورد باتوم مصدوم گردید و به درمانگاه منتقل شد. در حال حاضر کارگران در یک بهت و خشم ناشی از این برخورد هستند.

کارگران خواستار عوض شدن مدیرعامل پنبه چی و برگشت به کار کارگران به سرکارایشان هستند.

به راستی آقای پنبه چی فکر نکرده که خانواده های این روستا با بیکار شدن سرپرست خانواده اشان باید چگونه روزگار بگذرانند. پنبه چی و پنبه چی ها نه برای آبادانی این مرز و بوم بلکه برای درهم شکستن کوشندگان کارگری و رواج بی حقوقی اجتماعی و نقض

محکوم نمودن این گونه برخوردهای تشنج آمیز از طرف مدیران کارخانه، دخالت نیروهای امنیتی در مورد مشکلات کارگری اعلام می کند حق همه کارگران ایران است که شاغل باشند و از دستمزدی مناسب برای رفع نیازمندی های خود برخوردار باشند. اعتراض و اعتصاب طبق اصل ۲۷ قانون اساسی و منشور جهانی سندیکاهای کارگری حق همه کارگران است.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۹۴/۶/۵

خبرگزاری ایسنا، علی ربیعی وزیر کار، امروز در جلسه شورای اداری استان گیلان، گفت: هر پنج دقیقه یک نفر به جمعیت بیکار کشور افزوده می شود و باید هر سال برای ۸۰۰ هزار نفر شغل ایجاد کرد.

به این وزیر باید گفت: این چند سال در شورای مرکزی خانه کارگر پس چه می کرده ای؟؟؟!!!

علی تمیمی که در کارخانه نیشکر هفت تپه مشغول بکارند دستگیر و به دادگاه عبدل خانه شهر الوان در ۳۰ کیلومتری شهر شوشتر برده شدند. تا این لحظه از آنان خبری در دست نیست. روستای میان آب جزو روستاهای عرب زبان است که کشاورزان سالهاست بر روی زمین های نیشکر پدر در پسر کار کرده اند. این کارگران کشاورزی کارخانه میان آب تنها خواسته اشان برگشت به کار و برکناری پنبه چی مدیرعامل زورگو شرکت میان آب است. او با مدیریت غلط باعث تشنج در منطقه گردیده است. به گفته کارگران دلیل بازداشت این اعضای شورای روستا اقدام تحریک آمیز علیه شرکت میان رود اعلام گردیده است.

شوربختانه از زمان روی کار آمدن دولت جدید برخورد با اعتراضات و خواسته های کارگران نه از سوی وزارت کار بلکه از طرف نیوهای امنیتی صورت می گیرد. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن

می شد و کارگران ریالی مالیات پرداخت نمی کردند.

زنده باد مبارزات سندیکا‌های کارگری ایران

خبر دوم:

کسر شدن ۲۰ دستگاه اتوبوس دو کابین خط یک بی آر تی باعث ازدحام مسافر از تیرماه در اتوبوس های این خط گردیده و در نتیجه موجب نارضایتی مسافرین و رانندگان شده است. رانندگان این خط به علت فشار کاری و افزایش مسافرین دست به اعتراض زدند. مدیران شرکت واحد نیز علیرغم اعتراض رانندگان نسبت به این وضعیت برای حفظ جایگاه خود درخواست اضافه نمودن اتوبوس به این خط را پیگیری نمی کنند. همچنین رانندگان برای اعزام ضروری اتوبوس به تعمیرگاه و عدم کار کردن با اتوبوس های فاقد کولر از محدودیت های زیادی از طرف مدیریت مواجه هستند. شور بختانه با تغییر ساعت کاری از

خبرنگار نشریه پیک سندیکای کارگران شرکت واحد گزارش می دهد:



میزان برداشت مالیات اضافی از حقوق کارگران شرکت واحد که از طرف مددکاری شرکت در بهمن ماه سال گذشته به کارگران این شرکت ابلاغ شده بود متأسفانه هنوز پرداخت نشده است. مددکاری در اقدامی خلاف با وعده پرداخت این برداشت اضافه به کارگران شرکت واحد از آنان رسید پرداخت با امضا و اثر انگشت گرفته است. لازم به ذکر است که سندیکای کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۴۲ با اعتراض به کسر مالیات از حقوق ناچیز کارگیشان تا سال ۱۳۶۰ از پرداخت مالیات معاف بودند و این مالیات از سود سالیانه شرکت کسر

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از وضعیت نابسامان رانندگان کامیون



۵۰۰ هزار راننده کامیون، تریلی، ترانزیت، کامیونت، خاور به جز رانندگان اتوبوس های مسافر بری و رانندگان کامیون ای سوخت در جابجایی کالا در سراسر ایران زحمت می کشند. این در حالی است که این ۵۰۰ هزار راننده کامیون از میان ۶۰۰ هزار راننده ای که کارت هوشمند برای رانندگی دارند در وضعیت سخت و نابسامانی به سر می برند. پایانه های سراسر کشور و شرکت های خصوصی حمل و نقل در این نابسامانی سهم عمده ای دارند. از این رانندگان ۳ درصد بابت گرفتن بار کسر می شود و این اجحافی است که شرکت های خصوصی

رانندگان با تهدید خواسته می شود که با اتوبوس های خراب کار کنند.

خبر سوم :

صندلی اتوبوس های سامانه یک فاقد استاندارد بوده و بسیاری از رانندگان از درد کمر و ستون فقرات رنج می برند که پس از آزمایش پزشکی مشخص شد بسیاری از این رانندگان از ناحیه کمر و ستون فقرات دچار ضایعه شده اند. بدبختانه از طرف مدیریت شرکت واحد هیچ اقدامی برای درمان رانندگانی که مشکل کمر درد دارند صورت نگرفته است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از بیمارستان امیراعلم :

چهار پرستار شاغل در بیمارستان امیراعلم به دلیل پیگیری فعالیت های صنفی از کار بیکار شدند. آقای چراغی یکی از این پرستاران به نماینده گی از طرف همکارانش گفت که شکایتشان در دست بررسی است.

رانندگان پرداخت ۳۷۰ هزار تومان پول برای بیمه تکمیلی است که اجحافی دیگر بر خانواده های این رانندگان است. اکثر رانندگان از پرداخت این بیمه های تکمیلی شانه خالی می کنند.

درخواست کارگران از نشریه خودشان

در روزهای اخیر کارگران از نشریه کارگری پیام سندیکا ، خواسته اند که مصوبه حداقل دستمزد کارگران را منتشر کند تا کارگران در برخورد با کارفرما و تخلف آشکار کارفرمایان از این مصوبه بتوانند از حقوق خود دفاع کند . به همین منظور ما مصوبه شورای عالی کار که از ابتدای فروردین ماه قابل اجراست را در زیر می آوریم:

-حداقل دستمزد ماهیانه ۷۱۲۴۲۵ تومان

حمل و نقل در حق رانندگان کامیون روا می دارند. در سال ۱۳۷۲ یک شکایت از طرف انجمن صنفی رانندگان کامیون سراسر کشور در دادگستری طرح شد که در زمان ریاست آقای شاهرودی در قوه قضاییه متاسفانه با اعمال نفوذ به جایی نرسید و بایکوت شد. در اکثر استانهای کشور انجمن های صنفی رانندگان کامیون شکایت هایی را چه در محاکم قضایی و چه در اداره کل حمل و نقل استانها در مورد اجحافاتی که در پایانه ها و شرکت های حمل و نقل در مورد کسر پول بیمه از بارنامه هایشان مطرح کرده اند. چرا که در زمان بازنشستگی متوجه می شوند که این شرکت ها از پرداختن حق بیمه آنها خوداری کرده و در حقیقت به جیب زده اند. و این درحالی است که این رانندگان در اکثر موارد برای پر کردن سابقه بیمه خود در زمان بازنشستگی مجبورند حتا در سن ۷۰ سالگی هم کار کنند که این موضوع منجر به تصادفات جاده ای می گردد. از دیگر مشکلات این

پیمانکاران ساختمانی با کارگران نقاش در پروژه مسکن مهر چه می کنند؟



مسکن مهر را که همه می دانند قیمت کارهای ساختمانی در آنجا خیلی پایین هست و چون کارها خیلی دست به دست میشه یعنی دلال بازی هست. شرکت اصلی با یک شرکت زیر مجموعه خود قرارداد می بنده و این شرکت پیمانکارهای مخصوص خودشو داره و با آنها قرار داد می بنده. این پیمانکارها آدم های مفت خور هستند با کم کردن درصد خود با پیمانکارهای که کوچک هستند و فقط دریک بخش میتونند کار کنند قرارداد بسته میشه با قیمت خیلی

– حق مسکن ماهیانه ۴۰ هزار تومان

– حق بن نقدی خواروبار ۱۱۰ هزار تومان

– حق اولاد یک فرزند ۷۱۲۴۱ هزار تومان

- حق اولاد دو فرزند ۱۴۲۴۸۲ تومان

– حق سنوات روزانه ۱۰۰۰ تومان

– مجموع در یافتی افراد مجرد ۸۹۲۴۳۰ تومان

– مجموع دریافتی افراد متاهل با یک فرزند ۹۶۳۶۷۱

– مجموع دریافتی افراد متاهل با دو فرزند یک میلیون ۳۴ هزار و ۹۱۲ تومان می باشد.

امیدواریم با این اطلاعات کارگران بتوانند از حقوق حقه خود صیانت کنند.

تحریریه پیام سندیکا

شرکتها و پیمانکارها از این موقعیت استفاده کرده رقابت را در میان کارگران دو چندان کرده اند و از این کارگران برده وار کار می کشند. وارد کمپ کارگران که میشی تن آدم میلرزه بوی قبرستان میده محوطه چنان کثیف هست که مثل اینکه اینجا انسان زندگی نمی کندهمه جا پر از فیلتر سیگار هست اعتیاد در صد بالای از کارگران را گرفتار خود کرده انها برای اینکه تحمل کار طاقت فرسا را داشته باشن با ساعت کار بالا مواد مصرف میکنند فقر هم که دیگر همیشه توضیح داد خیلی از این کارگران با نان خشکی زندگی میکنند. پیمانکار از اعتیاد آنها سو استفاده کرده و به آنها پول نمیده این کارگران آنطور که خودشان میگفتند خیلی هاشون. چهار پنج ماه هست که خانواده خود را ندیدن. دوستان عزیز این نوشته عین واقعیت است چون بنده در کمپ کارگری مسکن مهر یک هفته زندگی کردم مشاهدات خود را نوشتم بنده چند سال پیش هم مشاهده کرده بودم اینها مسکن ظلم است نه مسکن

پایین. اینها کار را به کارگر ها به صورت چکی و یا متری میدن آنهم به قیمتی که این کارگر بجای هشت ساعت باید سیزده و یا چهارده ساعت کارکنند تا دستمزدی پایین تر از دست مزد معمولی گیرشان بییاد این مقدمه را عرض کردم که وضعیت اسفبار کارگران را توضیح دهم خدمت خواننده گان عزیز. با این قیمت پایین درمیان کارگران خارجی یعنی افغانها و ایرانی ها چنان رقابتی ایجاد کردن که حتا کارگران ایرانی چندین بار اتاق افغانها را به آتش کشیدن آن هم در طبقه سوم که خیلی از این کارگران به خاطر این که آتش نگیرند خود را از طبقه سوم انداختن پایین پاهایشان شکسته. اما این کار هم جواب نداده کارگران ایرانی برای این که افغانیها را اذیت کنند دعوا راه انداختن و به پلیس ۱۱۰ زنگ زدن آمده این بد بختها را جمع کرده برده. بالین کارها افغانها را کنار زدن به خاطر پایین بودن قیمت ها اما بعد از یک سال ایرانیها قیمت کار را بسیار پایین تر از افغانی ها آوردن یعنی

جزئیات ۷ مکاتبه رسمی ایران با بانک جهانی

نقل از روزنامه روژان ۲ شهریور

معاون وزیر اقتصاد از انجام ۷ مکاتبه رسمی با بانک جهانی برای بهبود رتبه کسب و کار خبر داد و رتبه ایران از ۱۵۲ به ۱۳۰ بهبود یافت. دولت ایران از قبول بهبود وضعیت دسترسی به مجوزهای برق و کاهش زمان - مجوز آب ، اصلاحات مجوز ساخت و ساز و حمایت از سهامداران خرد توسط بانک جهانی خبرداد. معاون وزیر گفت : کمک هایی برای باز پرداخت بدهی بدهکاران ارزی به بانک ها صورت گرفته است که در حال حاضر تسویه ها در حال انجام است و این باعث خواهد شد که بانک ها به منابع بیشتری دسترسی پیدا کنند.

دوستان کارگر، معنای خبر بالا این است که سرمایه داری توانسته با نفوذ در دولت و اجرای سیاست های ضد کارگری خود با بانک جهانی از پولهای بلوکه شده ایران

مهر. واقعا اینها یعنی کارگران ساختمانی بد بخت ترین قشر جامعه هستند سرمایه داران از خون این کارگران تغذیه کرده و به سرمایه ای کلان میرسند. سوالی که هست آیا اینها حق زیستن ندارند؟ آیا در مقابل زحمت هایی که این کارگران میکشند نباید تامین بشوند؟ با کار شبانه روزی یک زندگی آبرومندانه دارن؟

بنده خودمو عرض کنم خدمت دوستان ۲۶ سال کار کردم. در این جامعه ۲۰ میلیون پول ندارم چند سال دیگه باید کار کنم تا باز نشسته بشم بدن انسان در مقابل کار های سخت و زیان اور چند سال میتواند دوام بیاورد؟ این وضعیت همکاران بنده و خودم هست جامعه خودش قضاوت کند.

**حسین امیدی ، کارگر نقاش و
سندیکالیست**

اخبار کارگری

مطالبه کارگران و اجرای ماده ۷ قانون کار

چهارم شهریور ماه؛ کارگران خواستار توقف دستور العمل شماره ۴۱ وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و اجرای کامل تبصره یک ماده ۷ قانون کار هستند. این دستور العمل و دیگر طرح های وزارت کار در مغایرت با حقوق کارگران قرار دارد.

مبارزه کارگران با خصوصی سازی بیمه های درمانی

چهارم شهریور ماه؛ گروهی از کارگران کارخانجات استان البرز به اجرای برنامه بیمه های تکمیلی اعتراض کردند. برنامه بیمه های تکمیلی در شرایطی به مورد اجرا گذاشته می شود که معاون رفاهی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام داشت؛ در حال حاضر ۴۰ درصد نیروی کار کشور فاقد بیمه اجتماعی هستند.

که متعلق به مردم و طبقه زحمتکش است بدهی سرمایه دارانی چون بانک زنجانی ها پرداخت کند. تا در آینده آنان ثروت بیشتری از کارگران دزدیده به خارج ببرند و دشمنان ملت ایران را تقویت پولی کنند. سیاست های بانک جهانی در کشوری مانند یونان باعث شده که بیکاری و گرسنگی در این کشور افزایش پیدا کند و زحمتکشان این کشور متحمل اصلی بدهی به بانک جهانی باشند. از جمله خواسته های بانک جهانی از ایران درهم شکستن سندیکا‌های کارگری به عنوان نمایندگان واقعی کارگران در مقابل دستورات ضد انسانی بانک جهانی است. همچنین مو کردن قانون کار، قانون ۸ ساعت کار، بازنشستگی، بیمه تامین اجتماعی، طبقه بندی مشاغل، حداقل دستمزد می باشد. وابسته نمودن صنایع کشور به سرمایه داری خارجی و چپاول ثروت ملی ایرانیان (نفت) از دیگر خواسته های بانک اهریمنی پول است.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کمیاب سازی اراک

سوم شهریور ماه؛ کارگران کارخانه کمیاب سازی اراک در اعتراض به تصمیم آستان قدس رضوی سهامدار اصلی شرکت کمیاب سازی اراک مبنی بر اخراج ۲۰۰ کارگر، تجمع یکپارچه ای را سازمان دادند. کارگران خواستار توقف اخراج ها هستند.

مخالفت کارگران با واگذاری بیمه تامین اجتماعی

۹ شهریور دولت در چارچوب طرح نظام بیمه سلامت قصد دارد سازمان تامین اجتماعی را نخست به زانده وزارت بهداشت بدل کرده و سپس بخش بیمه درمانی آن را به شرکت های بیمه خصوصی داخلی و خارجی واگذار نماید...

در راستای هزینه ۱۵ هزار میلیارد تومانی که اجرای طرح تحول سلامت به مردم و صندوق های بیمه اجتماعی تحمیل

مبارزه پرستاران برای افزایش دستمزد ها

چهارم شهریور ماه؛ انجمن صنفی پرستاران استان اصفهان خواستار اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری شد. پرستاران معتقدند اجرای این قانون می تواند کارانه ها را در دستمزد پرستاران بیش از ۳ برابر افزایش دهد.

بیکاری زنان سه برابر مردان است

چهارم شهریور ماه، معاون وزیر کار اعتراف نمود فاصله پرداختی حقوق بین زنان و مردان در مشاغل هم ارزش وجود دارد. او گفت: نرخ بیکاری زنان ۳ برابر مردان است. هم اکنون نرخ مشارکت اقتصادی زنان حدود ۱۵ درصد و نرخ بیکاری آنها نزدیک به ۳ برابر مردان است.

به عهده بیماران گذشته شده است و پیش بینی می‌شود این روند به تدریج افزایش یابد. با اجرای طرح تحول سلامت صندوق‌های بیمه اجتماعی منابع خود را از دست می‌دهند. سازمانهای بیمه گر از جمله تأمین اجتماعی به دلیل بار مالی سنگین، توان پرداخت این هزینه‌ها را ندارند.

واگذاری درمان سازمان تأمین اجتماعی به وزارت بهداشت با مخالفت کارگران روبرو است. روابط عمومی سندیکا کارگران فلزکارمکانیک

خرید تضمینی نسیه، از دهقانان گندم‌کار

پس از توافق جامع هسته‌ای، و در پی سفر هیئت‌های بزرگ سیاسی-تجاری اتحادیه اروپا و شرکت‌های بزرگ آمریکایی به ایران، خرید محصولات کشاورزی از آمریکا، اتحادیه اروپا، و استرالیا، به یکی از برنامه‌های اصلی دولت در توسعه مناسبات بازرگانی با غرب

کرده است تاکنون تنها نزدیک به ۶ هزار میلیارد تومان از منابع سازمان تأمین اجتماعی به این موضوع اختصاص یافته است. طرح تحول سلامت مانع پرداخت مابه‌التفاوت مستمری بازنشستگان شده است.

در حال حاضر بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی ۹۰ هزار میلیارد تومان است. دولت از پرداخت این بدهی شانه خالی کرده و می‌خواهند برای اجرای نظام بیمه سلامت؛ بخش بیمه تأمین اجتماعی را در وزارت بهداشت ادغام کنند.

طرح بیمه سلامت که متولیان کنونی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در صدد اجرای آن هستند؛ درست مانند هدفمندسازی یارانه‌ها باعث گرفتاری بیشتر اقشار آسیب‌پذیر می‌شود. واگذاری بیمه تأمین اجتماعی وضعیت سلامت کارگران و خانواده آنها را وخیم‌تر می‌سازد. به تدریج به دلیل کاهش منابع بخش-هایی از هزینه‌های درمان

و به‌درستی آن را پایین‌تر از قیمت واقعی و هزینه‌های تولید دانسته‌اند. امسال علاوه بر نرخ‌های غیرعادلانه برای خرید گندم، جو، حبوبات، سیب‌زمینی، برنج، زیتون، و پیاز، خرید تضمینی از سوی دولت روحانی به‌صورت نسیه صورت می‌گیرد. یعنی دهقانان که با رنج و مشقت فراوان و تحمل هزینه‌های کمرشکن - که به‌ویژه با اجرای قانون ضد‌مردمی هدفمندی یارانه‌ها بار سنگین دیگری بر بارهای تولید کشاورزی نهاده است - حاصل دسترنج‌شان را به‌صورت نسیه و بدون دریافت پول، به دولت و شرکت‌های خصوصی (معرفی‌شده از سوی دولت) واگذار می‌کنند. شرکت‌های طرف معامله با دهقانان، پس از ۲ تا ۶ ماه، پول دهقانان را آن‌هم به‌شکل اقساط پرداخت می‌کنند. و این به معنای نابودی دهقانان زحمتکش است

**روابط عمومی سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک**

تبدیل شده است. در جریان پنجمین جلسه کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی و صنایع تهران، اوایل مردادماه امسال، نایب‌رییس این نهاد اعلام کرد، بخش خصوصی با همکاری اتاق بازرگانی بررسی تعرفه واردات گندم را با دولت پیگیری و سپس تعیین خواهد کرد. پیش‌ازین، قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت از تصمیم جدید دولت برای صدور اجازه واردات گندم - به‌طور عمده از: آمریکا، کشورهای اتحادیه اروپا، اوکراین، کانادا، و استرالیا - خبر داده بود. به‌موازات واردات گندم و دیگر فرآورده‌های کشاورزی نظیر: برنج، ذرت، سویا، زیتون، و چای، دولت در راستای برنامه آزادسازی اقتصادی و اقتصاد مقاومتی ولی‌فقیه، به چانه‌زنی و پایین آوردن نرخ خرید تضمینی برخی محصولات کشاورزی - به‌ویژه گندم و برنج - دست زده بود. دهقانان، به‌ویژه طیف دهقانان زحمتکش، همواره با نرخ‌های تضمینی تعیین‌شده از سوی دولت‌های مختلف مخالفت کرده‌اند

حسین نظری فعال کارگری کهنسال ایرانی درگذشت!

حسین نظری یکی از قدیمی ترین و پرسابقه ترین فعالین کارگری و سندیکایی ایران روز شنبه ۲۱ شهریور در شهر پاریس پایتخت فرانسه درگذشت. حسین نظری بیش از نیم قرن از دوران زندگی اش رادرراه بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان مبارزه کرد.

حسین نظری مبارزات سندیکایی اش را از در دوران جوانی با کار در میان دهقانان شمال کشور و محل زادگاهش آغاز نمود و پس از تشکیل شورای متحده مرکزی به یاری شورا شتافت و به دلیل همین فعالیت ها بارها به تحریک خان ها و کارفرمایان مورد ضرب و شتم و تحت پیگرد قرار گرفت. حسین نظری پس از انقلاب مسئولیت نشریه کارگری "اتحاد" را به عهده گرفت. او در این نشریه که پس از مدت کوتاهی توقیف شد به آموزش حقوق سندیکایی به کارگران ایران اقدام کرد. شبکه هایی از فعالین سندیکایی حول این نشریه تشکیل

شد که کارگران را به فعالیت های متشکل و سندیکایی فرا می خواند. پس از سرکوب سندیکاهای کارگری، حسین نظری مجبور به ترک کشور شد و به فرانسه رفت و در پاریس با "کمیسون ارتباطات سندیکایی ایران" به همکاری پرداخت.

پس از درگذشت رفیق جواهری مسئول کمیسیون ارتباطات، حسین نظری مسئولیت کمیسیون را به عهده گرفت و با یاری "ا ت ژ ت" فرانسه و ارتباط با فدراسیون سندیکاهای کارگری به دفاع از حقوق سندیکایی کارگران ایران و افشای نهادهای کارگری دست ساز حکومتی پرداخت. او که هم به مسایل سندیکایی و هم به زبان های فرانسه و انگلیسی تسلط داشت، در کنگره های فدراسیون سندیکاهای کارگری همواره شرکت می کرد و گزارش های مستند و دقیقی از سرکوب سندیکاهای کارگری در ایران و نقش تشکل حکومتی "خانه کارگر" به کنگره ارایه می داد.

درآمدهای نجومی خاوری ها و بابک زنجانی ها ثروت مردم را ۳ هزار میلیاردی به یغما می برند پولی برای ایمن سازی کلاس های مدارس مردم باقی نمی ماند. هر چند آفازاده ها و مسوولانی که فقط به فکر جیب خود هستند و فرزندانشان در بهترین و مجهز ترین مدارس غیرانتفاعی با شهریه های چند ده میلیونی درس می خوانند چرا باید دغدغه مشکلات فرزندان این سرزمین را داشته باشند. و باید آموزگاران را که نگران فردای فرزندان این بوم بر هستند را به زندان بیاندازند. باید با پیوستن و حمایت از سندیکا‌های کارگری و کانون های صنفی معلمان برای آینده فرزندانمان چاره ای بیندیشیم. تصمیم با ماست و آینده فرزندانمان در گرو این تصمیم.

حسین نظری تا زمانی که توش و توان داشت به رغم فشارهای که بر او وارد می شد، لحظه ای از مبارزه در راه ارتقاء حقوق سندیکایی کارگران و زحمتکشان کشورش و دفاع از فعالیت سندیکایی دست بر نداشت و هرگز آرمان و اعتقادات عدالت خواهانه اش را کنار نگذاشت.

درود افتخار بر حسین نظری و آرمان های کارگریش

تحریریه پیام سندیکا

۱۰۰ هزار کلاس درس فاقد بخاری های ایمن است.

۱۰۰ هزار کلاس درس در سراسر ایران فاقد بخاری های ایمن است و ۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای ایمن سازی گرمایشی مدارس احتیاج است که امسال دولت نمی تواند این ایمن سازی را انجام بدهد. وقتی در کشوری با

ثروت های افسانه ای چگونه خرج می شوند!

این روزها اجاره هلی کوپتر برای مراسم عروسی به تجارتی کثیف تبدیل شده و این در حالی است که ۲۰ درصد مردم ایران از گرسنگی مفرط رنج می برند یعنی ۱۷ میلیون نفر. کرایه ساعتی این هلی کوپتر ها از ۴۰۰ هزار تومان تا ۷۰۰ هزار تومان است. این هلی کوپترها متعلق به سازمان هلال احمر، وزارت نفت، وزارت نیرو هستند. یعنی اموال مردم ایران در اختیار عیاشان پولدار قرار می گیرد. از این فاجعه بارتر کرایه هواپیما برای حمل عروس و داماد به ترکیه برای انجام مراسم عروسی است. آتش آنقدر شور شده که شبکه دوم تلویزیون هم این خبر را پوشش داده است. ثروت های افسانه ای مافیای ثروت و قدرت از دسترنج کارگرانی که در عسلویه ماهها حقوقشان عقب می افتد و در گرمای ۶۰ درجه به تولید ثروت مشغولند و یا در کارخانه هایی که برای سود بیشتر

پیام سندیکا به زبان انگلیسی (مسنجر) منتشر شد!



در شماره ۸ آن می خوانیم:

سر پیام از شماره پیام سندیکای ۳۷- درباره با حداقل حقوق، عملکرد «خانه کارگر» و پیام اول ماه مه- صفحه ۱- بیانیه کارگران اتحادیه نیروی کار پروژه ای - صفحه ۳- روز معلم- صفحه ۴- اطلاعیه سندیکا در مورد سایت جدید- صفحه ۴

در شماره ۹ آن می خوانیم:

سر پیام در رابطه با توافق هسته ای و کارگران از پیام سندیکای شماره ۳۹- صفحه ۱- نامه سرگشاده کوشندگان سابق کارگری و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به : آقای حسن روحانی - صفحه ۲- بیانیه جمعی از کوشندگان کارگری، روزنامه نگاران و نویسندگان ایران- صفحه ۴

برای مطالعه می توانید به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک مراجعه کنید .
آدرس sfelezkar.com

با فدراسیون جهانی سندیکا های کارگری آشنا شویم!



طبقه کارگر و جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران از دیرباز بخش جدائی ناپذیر فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری بوده‌اند. اتحاد کارگر، بولتن ماهیانه کمیته روابط سندیکایی ایران به منظور آشنا ساختن سندیکالیست‌ها و نسل نو کارگران ایران با تاریخچه، اصول، موازین و عملکرد فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری طی دو شماره به معرفی این تشکل بین‌المللی پرداخته و اصول بنیادین آنرا در اختیار مبارزان، و فعالان سندیکایی قرار می‌دهد. اینک در ادامه آموزش‌های سندیکایی، خلاصه‌ای از اساسنامه فدراسیون (بخش دوم) به خوانندگان ارائه می‌گردد.

ضریب ایمنی را پایین می‌آورند، تامین می‌شود. آفازاده‌ها و خانم زاده‌هایی که از طریق مقام و منصب پدران و مادرانشان به این ثروت‌ها دسترسی دارند برای یک عروسی دستمزد یک ماه کارگران ایران خودرو را هزینه می‌کنند. با افشاگری‌هایی که سندیکاهای کارگری از حیف و میل ثروت این کشور به دست عده‌ای شیاد در ساختار قدرت صورت گرفته باید این سندیکاهای و کوشندگانشان مورد آزار و اذیت قرار بگیرند و آموزگاران که خواستار بهبودی وضعیت نظام آموزشی و برچیده شدن بخاری‌های نفتی از مدارس هستند، به زندان بروند.

دوستان کارگر، دوستداران سندیکاهای کارگری و مبارزات صنفی، برای بهبودی وضعیت زندگی امان و مبارزه با مافیای ثروت در سندیکاهای کارگری گرد آمده همگام با آنان علیه سیاست‌های ضد کارگری متحد شویم.

**روابط عمومی سندیکای کارگران
فلزکارمکانیک ۱۳۹۴/۶/۱۳**

ساختار تشکیلاتی فدراسیون:

کنگره جهانی سندیکاها که هر پنج سال یک بار برگزار می‌گردد

شورای مرکزی فدراسیون که از ترکیب ۴۵ نفر انتخاب می‌شود

هیئت اجرایی ترکیبی از ۷ نفر که انتخاب می‌شوند، است

دفاتر منطقه‌ای:

۱ - دفتر کشورهای انگلیسی زبان
قاره افریقا: ژوهانسبورگ افریقای جنوبی

۲ - دفتر کشورهای افریقایی فرانسه
زبان، شهر لبرویل در کشور گابون

۳ - دفتر قاره آسیا و اقیانوسیه: شهر
دهلی در هندوستان

۴ - دفتر اروپایی در شهر نیکوزیا،
قبرس

۵ - دفتر امریکای لاتین و حوزه
کاربین در شهر هاوانا، کوبا

۶ - دفتر خاورمیانه در دمشق
سوریه

۷ - دفتر امریکای شمالی در شهر
نیویورک امریکا

دفاتر نواحی

۱ - دفتر امریکای مرکزی در شهر
سن خوزه، کوستاریکا

۲ - دفتر آسیای شرقی در
کوالانپور، مالزی

۳ - دفتر کشورهای عربی در
بحرین

۴ - دفتر حوزه جنوبی امریکای
لاتین در شهر سائو پولو، برزیل

دفاتر حرفه‌های گوناگون (اتحادیه‌های بین‌المللی)

۱ - دفتر صنایع غذایی در شهر
پاریس فرانسه (یو آی اس تی آ
سی تی)

۲ - دفتر کارکنان بانک و
شرکت‌های بیمه در شهر دهلی
هندوستان

۳ - دفتر کارگران ساختمانی و
کارکنان متحد در هلسینکی فنلاند

۴ -دفتر کارگران آموزشی در کارکاس ونزوئلا

۵ -دفتر کارکنان بخش انرژی در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی

۶ -دفتر کارکنان هتل و صنعت گردشگری در آتن یونان

۷ -دفتر کارگران صنایع معدن و فلزکاران در ساسلویلو برزیل

۸-دفتر بازنشستگان در شهر بارسلون اسپانیا

۹ -دفتر کارکنان خدمات عمومی در سائوپولو برزیل

۱۰ -دفتر کارکنان حمل و نقل در لیسبون پرتغال

کمیته‌های دائمی:

کمیته‌ها با مصوبه شورای مرکزی بر اساس نیازهای مشخص و اولویت‌های سازمانی ما تشکیل گردیده است. کمیته‌هایی که هم اکنون فعال هستند عبارتند از:

۱ -کمیته کارگران جوان

۲ -کمیته کارگران مهاجر

۳ -کمیته زنان کارگر

۴ -کمیته بهداشت و ایمنی

دارای نمایندگی دائم در: ۱- سازمان ملل متحد: در نیویورک- امریکا. ۲ -سازمان جهانی کار در ژنو -سویس. ۳- سازمان خواربار جهانی در رم -ایتالیا ۴ -سازمان یونسکو در پاریس- فرانسه

انستیتوی آموزشی سندیکا‌های کارگری

فدراسیون با همکاری و هماهنگی با سازمان‌های ملی در کشورهای مختلف دارای آموزشگاه‌هایی است. چنین انستیتوهایی در هندوستان، ویتنام، مالزی، بنگلادش، کوبا، پاناما، کوستاریکا، اکوادور، بلاروس، قبرس، یونان، سوریه، نیجریه و... هستند.

شما هم می‌توانید به خانواده بزرگ و رزمنده فدراسیون بپیوندید!

تمامی سندیکا‌های ملی و

کنفدراسیون سندیکایی کارگران

می‌توانند همکار فدراسیون گردند.

پایان

۴۰ میلیون نفر از کل جمعیت ۷۸ میلیونی کشورمان!

در طی هفته‌های اخیر که در آن یک هفته معین به اسم سازمان تامین اجتماعی نام گذاری شده است، گوشه‌های کوچکی از این تعرضات در سطح رسانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

طبق گفته نوبخش مدیر عامل این سازمان از سال ۵۴ تا ۸۴ یعنی مدت ۳۰ سال میزان بدهی از دولت چهار هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بوده اما از سال ۸۴ تا سال ۹۲ این میزان بدهی به ۶۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

این رقم بسیار بزرگی است که دولت‌های مختلف بعد از انقلاب سعی نموده‌اند از زیر پرداخت این بدهی‌ها شانه خالی کنند و به انواع ترفندها درصدد زیرکنترل درآوردن منابع مالی عظیم این سازمان برآمده‌اند که نمونه‌های آن در دولت قبل با تحمیل مرتضوی فاسد این یورش را به اوج خود رساندند و سرمایه‌های عظیمی از کشور و پس اندازهای کارگران را به باد دادند.

بدهی دولت، بحران مالی در سازمان تامین اجتماعی و حقوق کارگران



سازمان تامین اجتماعی با پرداخت‌های ماهانه کارگران و زحمتکشان برای روزهای بیکاری، بازنشستگی و بیماری و بعد از مبارزات طولانی نسل‌های کارگری پایه‌گذاری شده است. این سازمان در تمام مدت موجودیت خود همیشه مورد تعرض کارفرمایان و دولت بوده است. سازمانی که طبق آخرین آمار از دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، کل جمعیت تحت پوشش، ۳۵ میلیون و ۱۵۰ هزار و ۸۵۸ نفر بیمه شده و ۵ میلیون و ۱۴۰ هزار و ۸۰۶ نفر مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی هستند. (درواقع بیش از

قراری می‌گیرند. حقوق مستمری بگیران و بازنشستگان این سازمان دیر به دیر و بدون حساب و کتاب پرداخت می‌شود و این زحمتکشان که عمری را در تولید و آبادانی کشور سپری نموده‌اند و به موقع سهم خود را - از حقوق ناچیز خود- به این سازمان پرداخت نموده‌اند، حال باید در شرایط زیر خط فقر زندگی نمایند.

با توجه به شرایط جدید و بعد از توافقات اخیر ایران و کشورهای ۵ بعلاوه ۱ در اروپا و باز شدن پای سرمایه‌داران خارجی به کشور، حال باید منتظر یورش انحصارات خارجی به این سفره بی سرپرست باشیم!

سازمان تامین اجتماعی، با گستردگی سرمایه و وسعت تعهد اجتماعی‌اش باید که به روش درست مدیریت شود و این امر ممکن نیست مگر اینکه نمایندگان واقعی کارگران و تشکل‌های مستقل آن در اداره آن دخالت نموده و در تصمیم‌گیری‌های آن نقش فعالی بازی نمایند و بیلان کار آن در مطبوعات مستقل کارگری و در سطح جامعه به شفافیت ارائه گردد تا مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

طبق گفته نوبخش پرداختی این سازمان در سه ماهه اول سال جاری ۲۶ درصد بودجه کل کشوری بوده است!

در سازمانی که سرنوشت بیش از ۴۰ میلیون زحمتکش و خانواده‌هایشان به آن وابسته است - صاحبان اصلی آن نقشی در کنترل و نظارت بر جریان امور آن ندارند - همه کارها از کانال دولت و انتصابات غیر کارشناسانه می‌گذرد و این مسئولین به هیچ عنوان در قبال صاحبان اصلی این سازمان پاسخگو نبوده و موجب فساد گسترده در این سازمان گردیده است.

نتیجه این عملکرد، پایین بودن خدمات ارائه شده به زحمتکشان و خانواده‌هایشان گردیده است. دفترچه‌های خدمات درمانی بیمه اجتماعی توسط پزشکان و کلینک‌های خصوصی به هیچ‌انگاشته می‌شوند، چرا که بدهی‌های آن به موقع پرداخت نمی‌شود و فرانشیزهای تعریف شده نیز مورد قبول این مراکز نیستند. بیمارستانهای سازمان تامین اجتماعی توان پاسخگویی به کثرت ارباب رجوع را ندارند و بیماران در صف طولانی انتظار

افزایش حق مسکن مطالبه کارگران است!



دولت اعلام کرده بودجه کافی برای افزایش ۲۰ هزار تومانی حق مسکن در سال جاری ندارد و همچنین نباید کارفرمایان بخش خصوصی را زیر فشار قرارداد. اما در همان حال تخفیف‌ها و امتیاز بسیاری از جمله تسهیلات مالی در اختیار بخش خصوصی گذاشته است.

کارگران خواستار دریافت ۲۰ هزار تومانی حق مسکن و نیز بن نقدی هستند. طرح لغو افزایش حق مسکن نشان می‌دهد حتی مصوبات قانونی نیز آنجا که پای حقوق ما کارگران در میان است، هیچ ارزش و اهمیتی ندارد. باید از کانون عالی شوراهای اسلامی کار و کانون انجمن‌های صنفی پرسید، وقتی مصوبه قبلی توسط دولت زیر پا گذاشته می‌شود، با کدام ضمانت اجرایی قرار است که دولت امکان افزایش ۲۰ هزار تومانی حق بن نقدی را پذیرفته و عملی سازد؟!!

بعلاوه کدام ارگان قرار است ۵ ماه مبلغ حق مسکن عقب افتاده را به کارگران پرداخت کند؟

با وجود اینکه شورای عالی کار افزایش ۲۰ هزار تومانی حق مسکن در سال جاری را تصویب کرده و به آن جنبه قانونی بخشیده است، دولت حسن روحانی از تایید و پرداخت حق مسکن به کارگران امتناع می‌کند. از آغاز سال جدید تا کنون دولت مانع افزایش ۲۰ هزار تومانی حق مسکن شده است.

در هفته‌های اخیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار و کانون انجمن‌های صنفی ضمن هماهنگی با وزارت کار، طرح لغو افزایش حق مسکن امسال را به نشست فوق العاده شورای عالی کار پیشنهاد کرده‌اند. در این طرح امکان افزایش ۲۰ هزار تومانی حق بن نقدی به جای افزایش حق مسکن مطرح گردیده است.

حقوق و پاداش مدیران بانکها

تنها یک عکس برایتان می‌گذارم تا بفهمید در بانکهای کشور چه می‌گذارد. هیات مدیره‌هایی که این بانکها را به ورشکستگی کشاندن چطور به خودشان پاداش و حق جلسه می‌دهند. تازه این درآمدهای قانونی است و ما خبر از بی قانونی هایشان نداریم. این بی شرفها چطور می‌توانند برای کسی که برای درمان بیماری به یک میلیون تومان ناقابل وام نیاز دارد و آنرا بدست نمی‌آورد چه زجری می‌برد. به خدا این افراد نه سواد اقتصادی دارند و نه بانکداری. با چند نفرشان حرف زدیم و با یقین این را می‌گویم. تازه این‌ها در چند هیات مدیره عضوند و همه شرکت دولتی برای خودشان همین جور ریخت و پاش می‌کنند.

فریبرز رییس دانا اقتصاد دان کارگری

نام بانک	حق جلسه هیئت مدیره	پاداش هیئت مدیره
بانک کار آفرین	۱,۲ میلیون تومان	۴۵۰ میلیون تومان
بانک صادرات	۲ میلیون تومان	۴۰۰ میلیون تومان
بانک آینده	یک میلیون تومان	نامعلوم
بانک دی	۱,۲ میلیون تومان	۱۲۰ میلیون تومان
بانک ملت	نامعلوم	۵۵۰ میلیون تومان
بانک مهر اقتصاد	۸۰۰ هزار تومان	۱۵۵ میلیون تومان
بانک اقتصاد نوین	۱,۶ میلیون تومان	۹۹۰ میلیون تومان
بانک انصار	۱,۳ میلیون تومان	۲۷۷ میلیون تومان
بانک تجارت	نامعلوم	۳۰۰ میلیون تومان
بانک سینا	یک میلیون تومان	۲۵۰ میلیون تومان
بانک حکمت ایرانیان	۱,۶ میلیون تومان	۱۳۰ میلیون تومان
بانک سامان	۱,۵ میلیون تومان	نامعلوم
بانک خاورمیانه	یک میلیون تومان	۹۶۰ میلیون تومان



فساد و ثروت

با یک میلیارد تومن سیسمونی کامل خریده که نوزاد چند ماهه اش بر پستانک طلائی میک بزند ، بر پنبه طلا بخوابد و در چرخ طلا بچرخد . وقتی من هنوز آبنبات چوبی را یک تشریفات جادویی برای دوران کودکی ام حساب می کنم . مصطفی گراشی مداح اهل بیت و ریاست اتاق بازرگانی بوشهر در اعتراض مردم شهر ، کوتاه گفته است : " از راه نامشروع نیامده ، دارندگی و برازندگی "

واقعا در این اتاق بازرگانی چه می گذرد که مصطفی گراشی به چنین ثروتی رسیده است؟ در بوشهر خانواده هایی وجود دارند که مدتهاست گوشت و میوه را فرزندان شان ندیده اند. چگونه ثروت این مملکت توزیع می شود که مصطفی گراشی برای سیسمونی فرزندش میلیاردی خرج می کند و یک بوشهری دیگر برای نان شب محتاج؟

تحریریه پیام سندیکا

زنان چه حقوقی کسب کرده اند؟

آیا می دانستید که در سال ۱۸۰۰ میلادی زنان در پاریس، برای پوشیدن شلوار (پوشش مردانه) باید اجازه مخصوص می گرفتند؟ آیا می دانستید که این قانون که به دست فراموشی سپرده شده بود بالاخره در سال ۲۰۱۳ رسماً به دلیل نقض اصل برابری مرد و زن الغا شد؟ آیا می دانستید که پس از انقلاب فرانسه در قانون مدنی این کشور - مورخ ۱۸۰۴-، زنان از حق تحصیل در دبیرستان و دانشگاه محروم شدند؟ آیا می دانستید که در همین قانون، زنان از حق امضای قرارداد و مدیریت بر اموالشان محروم شدند؟ آیا می دانستید که این قانون زنان را از کلیه حقوق سیاسی محروم کرد؟ آیا می دانستید که در فرانسه تا سال ۱۹۳۸ زن از نظر مدنی تحت قیمومت شوهر بود؟ آیا می دانستید که تا سال ۱۹۳۸ زن در فرانسه حق نداشت بدون اجازه همسرش در دانشگاه نام نویسی کند؟ آیا می دانستید که در سال ۱۹۳۸، در فرانسه، زن

برای کار کردن به اجازه شوهرش احتیاج داشت؟ آیا می دانستید که تا سال ۱۹۴۵ زنان در فرانسه حق رأی نداشتند؟ آیا می دانستید که اصل برابری حقوق زن و مرد تا سال ۱۹۴۶ در قانون اساسی فرانسه به رسمیت شناخته نشده بود؟ آیا می دانستید که تا سال ۱۹۶۵ زن شوهردار در فرانسه از حق مدیریت بر اموال خود محروم بود و بدون اجازه شوهر نمی توانست برای خود حساب بانکی باز کند؟ آیا می دانستید در قوانین کیفری فرانسه تا سال ۱۹۹۰، تعرض جنسی شوهر به همسرش تجاوز محسوب نمی شد و جرم نبود؟

این که برابری حقوق زن و مرد یک پدیده فرهنگی غربی است دروغی است آشکار و شاهد آن هم مبارزات بی وقفه زنان در غرب برای رفع تبعیض و اعمال حقوق طبیعی‌شان است. زنان ایران برای کسب حقوق مساوی با همان معضلات فرهنگی و دینی روبرو هستند که زنان غربی در دو قرن



ما در قدرت حاکمه حضور داریم!

جنبش سندیکایی ما، و متکی به طبقه کارگر، از بین نخواهد رفت! آینده هر قدر هم برای ما دشوار، راه ما هر قدر هم سخت و دشوار، تلفات هر قدر سنگین، فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌ها هر قدر جانکاه باشد، یک چیز مسلم است: طبقه کارگر و سندیکاهای کارگری از بین نخواهند رفت! این حقیقت بی‌چون و چرا را تاریخ بر کسانی که کمر به نابودی سندیکالیست‌ها و جنبش کارگری بسته اند ثابت کرده است.

با این نگاه و این آگاهی همچنان به سیاست خود در دفاع از حقوق جنبش کارگری در عرصه اجتماعی

اخیر با آن روبرو بوده اند و با آن جنگیده اند، و فرهنگ و خرافات مذهبی وابسته به آن را اصلاح کرده اند. مبارزه طبقه کارگر و در راس آن سندیکاهای کارگری برای اولین بار به زنان حق رای، حق انتخاب را داده و دستمزدی مساوی برای کار مساوی را در راس خواسته هایشان گنجانند.

تا زمانی که نسلی از زنان آزاده بوجود نیایند، هرگز نسلی از مردان بزرگ را نخواهیم دید.
رابرت جی



سنديکاهای کارگری اروپایی که دهها شهردار و گاه حتی استاندار و وزیر دارند ولی معنایش شرکت در حاکمیت و در دست داشتن قدرت نیست. برعکس می‌شود وزیر و وکیل نداشت و در خیابان‌ها مضروب هم شد اما در قدرت سهیم بود. این وضع جنبش کارگری تا حدودی در سال‌های ۱۳۳۰ و ۳۱ و بویژه در سال ۱۳۵۸ بود. سنديکاهای کارگری به همان اندازه که قدرت را در تفنگ نمی‌بیند، آن را در داشتن وزیر و وکیل نیز نمی‌داند. قدرت واقعی در ذهن توده‌های مردم، در اندیشه‌هایی است که مردم به آن اعتقاد دارند. در آرمانی است که آنان برایش مبارزه می‌کنند. این اندیشه است که وقتی عموم مردم را فرا می‌گیرد به نیروی مادی تبدیل می‌شود. قدرت بطور عمده یعنی این نیروی مادی. نیرویی که در شبکه پیچیده‌ای از ابزارها و نهادها متجلی می‌شود که به این یا آن شکل بازتاب می‌یابد. بسته به نحوه شکل‌گیری این نیروی مادی، یعنی بسته به آنکه اندیشه‌های مردم

و حقوق کارگری و مدنی خود ادامه خواهیم داد. من معتقدم که ما در قدرت حاکمه بر سر تصمیم‌گیری برای مسایل جامعه حضور داریم و حضور معنوی ماست که رقیب را مجبور می‌کند برای درهم شکستن ما از خشن‌ترین شکل برخورد استفاده کند. از براه انداختن موج تبلیغات رسانه‌ای و مطبوعاتی علیه آرمانهای کارگری تا تهدید، اخراج، زندانی کردن کوشندگان کارگری. سرمایه داری به خوبی می‌داند که نتوانسته ما را در این سالها منزوی و از صحنه جامعه حذف کند. دلایلش هم اینکه ایدولوگ‌هایش نظیر موسی غنی نژاد اعتراف می‌کنند که اندیشه‌های کارگری هنوز در عمق اندیشه‌های جامعه حضور دارند.

بارها از من پرسیده اند که قدرت را چگونه می‌فهمید؟

من فکر نمی‌کنم که قدرت مثلا در داشتن چند نماینده در مجلس یا چند وزیر در کابینه است؟ می‌توان در کابینه هم حضور داشت اما در قدرت نبود مانند بسیاری از

را در دستور کار خود قرار دهند ، ما باید به قدرت خود امیدوار تر شویم و کوشش مان را چند برابر کنیم.

البته سرمایه داری بیکار نمی نشیند و از طریق مطبوعات و تبلیغات تلویزیونی و رادیویی و دیگر سکوه‌های تبلیغی از جمله پول به مبارزه با ما برمی خیزد.

هنرکوشندگان کارگری این است که موضوع هشت ساعت کار، ثمره وجودی بازنشستگی، دستمزدی عادلانه و همچنین فساد های سرمایه داری را به میان کارگران ببرد. آنچه از همه چیز واجب تر است موضوع اتحاد ماست و نیروی کارگری که می تواند و باید در حمایت از ما سازماندهی شده و در پشت سرما عرض اندام کند.

این نگرش ویژه نسبت به مسئله قدرت و تحولات شاخص در جامعه، برتری ما نسبت به دیگر نیروهای سیاسی است. کوشندگان کارگری و بخصوص سندیکالیست ها در سراسر جهان قدرت را این می فهمند که اندیشه آنان، آرمان های

چه باشد و چه سمتی داشته باشد و این اندیشه‌ها آنان را تا چه اندازه به عمل، به مبارزه، به جنبش فرا خواند یا برعکس آنان را به تسلیم، به سازش و به انفعال بکشاند، مناسبات قدرت در جامعه تغییر می کند. مبارزه برای قدرت یعنی در درجه اول مبارزه برای تاثیر گذاشتن بر روی اندیشه مردم و از این طریق تاثیر بر روی نهادها و متقابلا مبارزه برای استفاده از نهادها برای تاثیر گذاشتن بر روی اندیشه مردم. شناخت مردم جامعه امان از این جهت مهم است که بتوان از این طریق بر ذهن مردم، بر اندیشه مردم در سمت برنامه‌ها و خواست‌های سندیکا‌های کارگری اثر گذاشت. زمانی که سندیکا‌های کارگری آرمان های خود را در جامعه منتشر و گسترش می دهد و از فضای اندکی که بر حاکمان تحمیل کرده استفاده می کنند و مردم با اندیشه های کارگری ما احساس همبستگی می کنند و حاکمان مجبور می شوند برای متوقف کردن ما تفرقه ، تهدید و زندانی کردن عناصر موثر جنبش

میدان خواهند آمد. دشمن با تمام قوای خود چه سی و پنج سال پیش و چه امروز، می‌خواهد جنبش کارگری را در ایران نابود کند، فقط از کارگران سندیکایی و رهبرانش و چند هزار عضوش نمی‌ترسد. آنها از مجموع جنبش آزادی خواهی و تاثیر معنوی مبارزات کارگری در جامعه ایران ترسیده و آرمان های عدالت جویانه کارگری را می‌خواهند سرکوب کنند. سرکوب کردن جنبش سندیکایی که سازماندهی ترین بخش جنبش کارگری است، خاکریز اول برای سرکوب های بعدی و غارت ثروت طبقه کارگر و مردم ایران است.

آنچه ما را در مقابل این سرکوب پابرجا نگاه خواهد داشت، تلاش برای گسترده تر شدن هرچه بیشتر اندیشه هایمان و رسوخ در زیرین ترین لایه های جامعه و اتحاد سازماندهی شده امان در مقابل دشمن است. متحد شویم.

مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

آنان به اندیشه و خواست مردم تبدیل شود. این که این اندیشه‌ها زمانی که پخته و رسیده شد و به خواست توده‌های میلیونی تبدیل شد چه کسی میوه چین آن شود، چه کسی آن را اجرا کند یا بنام خود تمام کند مسئله‌ای است که امروز با تلاش ما در آینده نتیجه اش مشخص می شود. هرچه ما تاثیر و نفوذ کلامان و شخصیت رفتاریمان پهنه بیشتری در جامعه را تحت تاثیر قرار دهد فردا می تواند قدرت از آن ما باشد. تمام اصلاحاتی که در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته صورت گرفته، محدود شدن ساعات کار، تعطیلی آخر هفته و سالانه با دستمزد، گسترش بهداشت و بهبود وضع مسکن و ... تاریخ همه اینها را که بنگریم می‌بینیم که اینها با مبارزات طبقه کارگر بدست آمده و به حاکمان تحمیل گردیده و اجتناب ناپذیر شده است.

امروز دشمنان طبقه کارگرایران و جنبش کارگری و سندیکایی در قالب مرسدس بنز و پژو و شرکت های نفتی آمریکایی و انگلیسی به

محمد حبیبی عضو کانون صنفی معلمان ایران

معلمان با مراجعه به دادسرای اوین بازداشت، هم اکنون در زندان اوین به سر می برد. رسول بدائی، باغانی و علیرضا هاشمی از دیگر معلمان و فعالان صنفی هستند که هم اکنون به اتهام فعالیت های صنفی در زندان به سر می برند. **بر گرفته شده از سایت حقوق معلم و کارگر**

نماینده پزشکان و مهندسان آلمانی از مرکل نخست وزیرشان پرسیدند که چرا در آلمان حقوقشان با معلمان یکسان نیست؟ مرکل گفت: چطور می شود حقوقتان از افرادی که شما را تربیت کرده اند بیشتر باشد.

از وزیر آموزش و پرورش پرسیدند: چرا حقوق معلمان نسبت به سایرین کمتر است؟ پاسخ داد: وزارت آموزش و پرورش درآمد زا نیست و طرح افزایش حقوق معلمان بار مالی دارد.

قضاوت را به شما وا می گذاریم.

امروز صبح دوشنبه نهم شهریور ماه محمد رضا نیک نژاد از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران و مهدی بهلولی از فعالان صنفی مستقل با مراجعه ماموران امنیتی در منزلشان بازداشت شدند. بنا بر اخبار رسیده از خانواده این دو فعال صنفی ماموران با حکم شعبه دو بازپرسی اوین (مقدس اردبیلی) اقدام به ورود و تفتیش منزل و ضبط برخی وسایل موجود در خانه همچون رایانه و گوشی همراه کرده اند. این در حالی است که هنگام مراجعه ماموران به درب منزل محمدرضا نیک نژاد وی در منزل نبوده و با تماس تلفنی ماموران حاضر در منزل برای بازداشت فراخوانده میشود. از محل نگهداری این دو فعال صنفی معلمان که از فعالان عرصه رسانه و مطبوعات نیز هستند خبری در دست نیست. در تیر ماه گذشته نیز اسماعیل عبدی دبیر کل کانون صنفی

۱۲۹ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی
کیفری)

۴ - هر متهمی حق دارد از
مأموران بازجو بخواهد در اولین
فرصت به خانواده وی اطلاع دهند
تا از سرنوشت او مطلع شوند و در
صورت لزوم برای آزادی او وثیقه
یا کفیل آماده کنند (بند ۵ ماده
واحد قانون احترام به آزادی های
مشروع و حفظ حقوق شهروندی)

۵ - متهم حق دارد ظرف ۱۰ روز
به قراربازداشت خود اعتراض کند
تا مرجع بالاتر بلافاصله و در
وقت فوق العاده به آن رسیدگی
نماید. این حق طبق قانون باید به
متهم تفهیم شود (ماده ۳۳ و تبصره
ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی
کیفری و شق ۲ بند (ن) ماده ۳
قانون احیای دادرسی مصوب ۱۳۸)

۶- چنانچه قرار التزام یا کفالت یا
وثیقه برای متهم صادر گردید، او
حق دارد با التزام یا معرفی کفیل
متمکن و یا تودیع وثیقه حسب
مورد بلافاصله آزاد شود (تبصره

با توجه به دستگیری های اخیر
لازم دانستیم بخشی از قانون را در
این بخش از پیام سنیکا و در
جهت روشننگری و آگاهی
کوشندگان صنفی نقل کنیم.

تحریریه پیام سندیکا

« منشور حقوق متهم »

۱ - هر کس به ارتکاب جرمی
متهم شود، حق دارد بیگناه فرض
شود، مگر اینکه مجرمیت (مقصر
بودن) او بر اساس قانون محرز
شود (اصل ۳۷ قانون اساسی، بند
۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق
مدنی و سیاسی بند ۱ ماده ۱۱
اعلامیه جهانی حقوق بشر)

۲ - هر متهمی حق دارد از
مأموری که قصد جلب او را دارد،
بخواهد مدارک شناسایی خود و نیز
دستور قضایی متضمن دستگیری
اش را به او نشان دهد (ضرورت
عقلی)

۳ - متهم حق دارد در مقابل پرسش
های دادگاه یا مرجع تعقیب و
تحقیق، سکوت اختیار کند. (مواد

ماده ۱۳ و ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری)

اساسی و ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

۷- هر متهمی حق دارد بداند که هیچ یک از ضابطین دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی مجاز نیستند، وارد منزل او شده و آنجا را بازرسی و تفتیش نمایند (اصل ۲۲ قانون اساسی ، ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی ، مواد ۹۶ و ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

۱۰- متهم حق دارد پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، پرونده اتهامی خود را مطالعه و از تمامی محتویات آن مطلع شود (ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری).

۱۱- هر متهمی حق دارد از قاضی دادسرا یا دادگاه بخواهد که به چه اتهامی و به استناد چه دلایلی احضار یا جلب شده است (ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری)

۸ - لازم است متهم بداند که هیچ یک از ضابطان دادگستری حق بازداشت او را ندارند، مگر در جرایم مشهود و در هر حال باید در نخستین فرصت (حداکثر ۲۴ ساعت) مراتب را به اطلاع مقام قضایی برسانند (ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری).

۱۲ - هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی اوست ، خودداری کند (بند ۱۱ ماده ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).

۹ - متهم حق دارد حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از اتهام و دلایل آن مطلع شود . مرجع قضایی مکلف است ظرف مهلت مذکور آن را به وی تفهیم کند (اصل ۳۲ قانون

۱۳ - متهم حق دارد اوراق صورتجلسات تحقیقات خود را بخواند و اگر پاسخ های او با تغییر و تحریف در آن قید شده از امضای آن خودداری کند. همچنین

آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی)

۱۷ - هر متهمی حق دارد از کلیه عوامل دستگاه قضایی متوقع باشد که از روی انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی وی با او رفتار شود (بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای ۴ و ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اصل ۳۹ قانون اساسی

۱۸ - هر متهمی که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد، حق دارد جبران خسارت خود را از مراجع ذی ربط بخواهد (بند ۵ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی)

۱۹ - متهم حق دارد در حدود قانون به حکم محکومیت خود اعتراض و از دادگاه بالاتر تقاضای تجدیدنظر نماید (شق ۵ بند (ه) ماده ۱۴ میثاق بین المللی، حقوق مدنی و سیاسی

متهم می تواند در صورت تمایل پاسخ پرسش ها را شخصاً بنویسد. (ماده ۱۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۱۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی)

۱۴ - هر متهمی حق دارد در یک دادگاه بیطرف و بر اساس یک دادسی عادلانه و منصفانه به اتهام او رسیدگی شود (ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

۱۵ - هر متهمی حق دارد از دادگاه بخواهد که بطور علنی به اتهام او رسیدگی کند، مگر در مواردی که قانون خلاف آنرا تصریح نماید (ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری)

۱۶ - هر متهمی حق دارد فرصت و تسهیلات کافی برای تهیه و تدارک دفاع و انتخاب وکیل و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد (مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ، بند ۳ ماده واحده قانون احترام به

کارمندان هر ماه به حساب او واریز می شود و...

من یک کارمند اقماری ام، اقماری یعنی در بهترین حالت دو هفته در کنار خانواده و دو هفته سرکار باشی ولی همه ما اینگونه نیستیم. برخی دو هفته سرکار و یک هفته استراحت و برخی سه هفته کار و یک هفته استراحت دارند. از این مدت استراحت، زمان ایاب و ذهاب را کم کن، چه رفت و آمدی، آواز دهل از دور خوش است. کارکرد در مناطق دور دست و کیلومترها دور از ساحل. آیا حوصله تان می آید هر ماه از یک شهر کوچک، خودت را با ماشین کرایه ای برسانی به شهری دارای فرودگاه یا ایستگاه قطار، بعد بروی به مقاصد پروژه ها بعد تا صبح در آنجا بخوابی روی نیمکت های فرودگاه و راه آهن در سرما و گرما، تا صبح زود به پرواز برسی، آنگاه که به کارگاهت رسیدی، بدون استراحت مستقیماً به محل کارتکاری و یکنواخت، زمخت حالا اگر شرایط هوای

و مواد ۲۳۲ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری).

۲۰ - متهم حق دارد از دادسرا یا دادگاه بخواهد از شهود شاکی پرسشهای اوهم مطرح گردد؛ بلکه بتواند بیگناهی خود را ثابت کند.

من یک کارگر کارگاهی هستم!

سلام به تو هموطن، سلام به تویی که در شهر خود و در کنار خانواده ات هستی، سلام بر تو که بزرگ شدن فرزندان را می بینی، سلام بر تو که در کوچه و محله ات شناخته شده ای.

من یک کارگاهی (کارگر، تکنسین و یا مهندس) هستم همان که اکثر مردم می پندارند حقوقم از پارو بالا می رود و دغدغه ای در زندگی ندارم، پول خرد بچه ام میلیونی است و اعضای خانواده ام همه ماشین شخصی خودشان را دارند، همان که بدون آنکه کار خاصی انجام دهد کل بودجه مملکت و سهمی از حقوق دیگر

چهره های شکسته، موهای زود سپید شده و اغلب ریخته، معده های خراب و اعصاب های... چقدر باید ببینی یکی با چشمان اشکیار آمده و تقاضای رفتن دارد، بچه ام تصادف کرده، مادرم سخته کرده، پدرم فوت کرده، همسرم پا به ماه است و.... اما دریغ! همه می خواهند کمک کنند پروازها تاخیر دارند. انگار همه و همه دست به دست هم می دهند تا زمانی به عزیزانت برسی که بچه ات را همسایه ها به بیمارستان رسانده اند، همسرت فارغ شده و پدرت را فقط صورت قبری باقیست. و تو باز هم دیر رسیده ای چقدر میخواهید به کسی پول بدهید که جبران این ها باشد؟ چند نفر از پرسنل کارگاهی باید حین عملیات عمرانی یا بهره برداری در اثر انفجار، آتش سوزی یا نشت گازهای سمی جانوران سمی گرد و غبار واقامت در شهرهای محروم صدمه روحی و جسمی ببینند و گاه باصدمات غیرقابل جبران ناپذیری همراه گردد. مگر چقدر این فشارها را می توان تحمل کرد؟

منطقه (این قسمت را می دانم خیلی از خوانندگان هرگز تصور تجربه اش هم در ذهنشان نمی آید). حال سی روز در یک فضای محدود، با یاران و همراهانی همیشگی در رطوبت صدر در صد و دمای بالاتر از ۵۴ درجه. این قصه دو هفته و چند ماه نیست. قصه چند سال است از بهترین دوران عمر.

سال هایی که می توانستی در کنار همسر جوانت باشی، سالهایی که بجای حرفهای شیرین رو در رو، باید با تلفن به سخنان بغض آلود همسرت گوش دهی که از مصائبش در گذران زندگی، در خریدها، در سر و کله زدن با همسایه ها و... می گوید. گاه دلت می سوزد، گاه غیرتت می جوشد، کمتر می خندی و گاه همراه او اشک می ریزی. همه هم درد هم را می دانند. همه بارها صدا بلند شدن های یکدیگر را در صحبت های پشت تلفن شنیده اند. مگر این دیوارهای نازک بین اتاقها چقدر جلوی صوت و صدا را می گیرد. اینجا کم کم شبیه هم می شویم!

دروود بر کارکنان اقماری و کارگاهی در شمال و جنوب، شرق و غرب، درود بر خانواده های صبور شما.

من معدنکارم

بالا و پایین رفتن در معدن درست مانند سفر به ریه انسان است. سفر به ریه یک معدنکار. از دالان گشادی مانند «نای» شروع می‌شود، به تونل‌های باریکی شبیه «نایژه» می‌رسد و گاه باریکی آن‌ها این حس را که در «نایژک» هستی ایجاد می‌کند. درست مانند فیلم‌های تخیلی. اینجا زخم ریه‌های معدنکاران را می‌شود دید. می‌شود با صدای هر انفجار سرفه‌های آن‌ها را از درون حس کرد. حتی «حبابچه»های ریه را هم می‌بینیم که گاه پر شده‌اند. پر از گرد ذغال.

پس چرا همه ناراضی هستند؟ این اولین سؤالی است که بعد از سلام و احوالپرسی از فرماندار کوهبنان می‌پرسم. کیلومترها دورتر از معدن، در دفتر فرماندار کوهبنان

ما به راحتی وارد این صنعت عمرانی نشده ایم، آزمونها، مصاحبه ها، چکاپ‌های پزشکی، ارزشیابی‌های مداوم و آموزشهای متعدد را گذرانده ایم. ما هم فرزندان همین کشوریم. اندکی آن طرف تر حافظ منافع ملی در سرزمین‌های مادری و آبهای نیلگون خلیج همیشه فارس. با ما مهربان تر باشید.

دروود بر کارکنان لباس سراسر خیس عرق بر تن، گرد خاک و دوده بر چهره نشست، آنها که بالا و پایین شدن فشارها و دماها و جریان‌ها، هم بالا و پایین رفتن فشار خون، نفس‌ها یشان شده است. خسته نباشید. برقرار باشید تا مملکت مان برقرار بماند.

مبادا کنایه‌ها و کمی حقوق دل سردتان کند. بالاخره روزگار به شما نیز لبخند خواهد زد. روزی فرزندان مان قدردان را خواهند دانست. به ایشان ایراد نگیرید، زیاد پدر بالای سرشان نبوده است. همسر عزیزم، همچون گذشته به حمایت‌های تو نیازمندم.

رمضان کاوه نفت گر قهرمان و از پیشکسوتان جنبش سندیکایی

در این شماره به معرفی یکی دیگر از چهرهای گمنام جنبش کارگری می‌پردازیم، یکی از پیشکسوتان سندیکای کارگران نفت خوزستان، کارگر قهرمان، رمضان کاوه که از فعالان نسل اول نفتگران و از زمره پیشکسوتان جنبش کارگری و سندیکایی میهن ماست. او از نخستین فعالان سندیکایی و به حق از زمره پیشکسوتان جنبش کارگری - سندیکایی کشور به شمار می‌آید.

خوزستان و صنایع نفت یکی از مراکز اصلی رشد و پیدایش کارگران صنعتی ایران و نیز از نخستین مناطقی است که جنبش سندیکایی کارگران در آن، از دل مبارزه تولد یافت. برخی آمار انتشار یافته حاکی از آن است که در سال های ما بین ۱۳۰۴ - ۱۲۹۰ بالغ بر چهل هزار کارگر در صنایع نفت خوزستان که آن

که می‌نشینیم، خیلی دلم می‌خواهد اول از همه بپرسم که چرا تا به حال وارد معدن نشده است. برخلاف انتظارم، نه بهانه می‌آورد و نه از برنامه آینده برای رفتن به معدن می‌گوید. راست می‌رود سر اصل مطلب؛ هرگز حاضر نیست برای بازدید وارد کارگاه‌های معدن شود: «دلیلی ندارد خودم را ذغال مالی و خطر را برای خودم ایجاد کنم.»

کارگر معدن

من شرمنده ام

من شرمنده یه!

دستهام و بازوهایم،

هستم،

به خاطر این که من،

کارگرم همیشه..

از آنها،

کار،

کار میکشم،

حسین امیدی (اورمان)

نخستین تشکل کارگری در نفت خوزستان به همت اعضای حزب کمونیست ایران پایه‌گذاری شد. ابتدا سازمانی به نام، "جمعیت کارگران نفت جنوب" با کوشش مبارزان حزب کمونیست شکل گرفت که چهره‌های درخشانی چون علی امید از میان آن برخاستند. رمضان کاوه نیز یکی از کارگران عضو این تشکل کارگری نیمه مخفی بود. فعالیت این تشکل علی‌رغم اعمال فشار شرکت نفت انگلیس و عمال فئودال‌ها و روحانیون وابسته به آن، با موفقیت‌هایی روبرو شد.

چند سال بعد یعنی در سال‌های بین ۱۳۰۵ - ۱۳۰۰ دومین کنفرانس "جمعیت کارگران نفت جنوب" برگزار شد و خواسته‌های زیرین را مطرح و تحقق آنها را طلب کرد: "افزایش مزد تا ۱۵ درصد، به رسمیت شناختن حق تشکیل سندیکا و اتحادیه کارگری، به رسمیت شناخته شدن تعطیلی اول ماه مه، حضور نمایندگان واقعی کارگران هنگام اخراج یا استخدام

زمان در تسلط استعمار انگلیس قرار داشته مشغول کار بودند. کارگران ایرانی شاغل در میادین نفتی، پالایشگاه آبادان به شدت استثمار می‌شدند و از هیچ‌گونه حقی برخوردار نبودند. کارگران روزانه بیش از ۱۰ ساعت کار می‌کردند و دستمزد آنها معادل ۲ قران آن زمان بود. شرکت نفت انگلیس ظالمانه از کارگران به عناوین مختلف جریمه دریافت می‌کرد. اکثریت کارگران ایرانی صنایع نفت در خانه‌های حصیری و حلبی زندگی می‌کردند. شرایط دشوار و غیر انسانی حاکم بر محیط کار و فقدان هرگونه امکان ایمنی باعث می‌شد، تعداد زیادی زیر ماشین و دستگاه‌های مختلف، دچار نقص عضو شده و یا جان خود را از دست بدهند. انگلیسی‌ها رسماً و به صورت توهین آمیز کارگران ایرانی را "تفاله" و "شپشو" می‌نامیدند. این وضعیت سبب تنفر و انزجار زحمتکشان و دیگر اهالی خوزستان و سراسر ایران بود.

این اعتصاب دستگیر و مدتی زندانی شد. پس از رهایی از زندان بار دیگر در غیاب رهبری اصلی کارگران نفت خوزستان یعنی علی امید، سازماندهی اعتراضات کارگری بویژه در آبادان و مسجد سلیمان را بر عهده داشت.

رمضان کاوه پس از سقوط دیکتاتوری رضا خان، از مؤسسان سندیکای کارگران نفت خوزستان در ابتدای سال‌های دهه بیست خورشیدی بود. او به همراه علی امید و منوچهر مصلح در تقویت این سندیکای پُر نفوذ کارگری از هیچ کوشش دریغ نمی‌کرد.

در جریان اعتصاب تاریخی سال ۱۳۲۵ کارگران آغاچاری، رمضان کاوه یکی از رهبران این حرکت بود. در این سال‌ها بار دیگر بازداشت و روانه زندان شد. پس از رهایی از زندان، اجازه کار در شرکت نفت را نیافت و اینبار حکم اخراج او صادر شد. از دست دادن کار برای این کارگر به معنای تحمل فقر بیشتر بود. او از پای ننشست و ضمن تلاش برای

کارگران، به رسمیت شناخته شدن ۷ ساعت کار در روز، آزادی کارگران در بند"، این خواسته‌ها زمینه ساز و موجب یکی از بزرگترین و اثر گذارترین اعتصاب‌های تاریخ جنبش سندیکایی کارگران ایران شد. کارگران با پا فشاری بر این خواسته‌ها اعتصاب بزرگ سال ۱۳۰۸ را سازماندهی کردند. رفیق شهید رمضان کاوه به همراه رفیق حیاتی فرزانه از فعالان و سازمانگران این اعتصاب بود که با چهره نامدار جنبش کارگری علی امید همکاری و دوشا دوش او مبارزه می‌کرد! علی امید، رمضان کاوه، منوچهر مصلح، میر ایوب شکیبیا و دیگران از فعالان و سازمانگران این حرکت تاریخی بودند. اعتصاب در آبادان با همت و تلاش رمضان کاوه و هدایت علی امید صورت می‌گرفت. در همین سال‌ها او در زندگی روزمره و در میان کارگران الفبای مبارزه طبقاتی و اصول کار سندیکایی را فرا گرفت. رمضان کاوه در جریان

درخواست از نهادهای بین المللی کارگری برای ثبت و پیگیری شکایت رانندگان اخراجی سندیکا

به: کنفدراسیون جهانی اتحادیه
های کارگری، فدراسیون بین
المللی کارگران حمل و نقل، کلکتیو
سندیکا‌های کارگری فرانسه،
سندیکای حمل و نقل لندن،
سازمان سراسری سندیکا‌های
کارگری سوئد، سندیکای کارگری
حمل و نقل سوئد و دیگر تشکلات
کارگری مربوط و زیرمجموعه

از: سندیکای کارگران شرکت
واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

موضوع: اخراج غیرقانونی آقایان
رضا شهابی، حسن سعیدی، وحید
فریدونی، ناصر محرم زاده ،
حسین کریمی سبزواری و خانم
فرحناز شیری رانندگان عضو
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران

با سلام و سپاس از همکاری و
پشتیبانی های کارگری شما

معاش، فعالیت سندیکایی خود را
با غرور و سر بلندی ادامه داد.
رمضان کاوه در میان نفتگران
چهره‌ای محبوب و شناخته شده بود
و محافل ارتجاعی و فئودال‌ها، و
وابستگان دربار در استان
خوزستان از او به دلیل نقش
ارزنده و کتمان ناپذیرش در
مبارزه کارگران، نفرت داشتند.

مرتجعان به همین دلیل نقشه قتل او
را طراحی و اجرا کردند. با این
اقدام از سویی از دست یک مبارز
با تجربه و آگاه خلاص می‌شدند و
از دیگر سو، جو رعب و وحشت
ایجاد کرده و کارگران را به‌زعم
خود می‌ترساندند. سر انجام در
زمستان سال ۱۳۲۶ مزدوران
مسلم مصباح فاطمی استاندار
خوزستان (او از وابستگان و جیره
خواران شرکت نفت انگلیس و
دربار شاه بود) او را در جاده
آبادان ربنده و در منطقه فرودگاه
قدیمی اهواز پس از شکنجه‌های
وحشیانه به قتل رساندند. قاتلان این
کارگر قهرمان هرگز شناسایی،
محاکمه و مجازات نشدند.

تأثیرات مثبت و اثر بخش باشد. لذا در صورت امکان شما برای پیگیری موارد فوق، لطفاً ما را مطلع سازید تا اطلاعات لازم را در اختیار شما قرار دهیم.

با سپاس مجدد از همکاری و تلاش شما در دفاع از کارگران ایران

سندیکای کارگران شرکت

واحد اتوبوسرانی تهران و

حومه

هشتم شهریور ۹۴



از آنجا که دولت ایران عضو سازمان بین المللی کار بوده و موظف به رعایت حقوق و آزادی های کارگری می باشد، از شما درخواست می شود نسبت به پی گیری بازگشت به کار و ثبت شکایت این کارگران اخراجی اقدامات لازم را در سازمان جهانی کار انجام دهید.

لازم به یاد آوری است کارگران اخراجی نامبرده از طریق پرونده سازی های غیر قانونی مراکز ضد سندیکایی نظیر شوراهای اسلامی کار و مراکز امنیتی از طریق ادارات تابعه وزارت کار اخراج شده و از دریافت هر گونه حقوق و مزایا و بیمه محروم می باشند. پی گیری های این کارگران اخراجی در ادارات وزارت کار تاکنون به نتیجه ای مطلوب نرسیده است. سندیکای واحد کماکان پیگیر حقوق این اعضای خود و دیگر کارگران شرکت واحد می باشد؛ در عین حال، همبستگی شما و دفاع از حقوق این کارگران اخراجی در سازمان جهانی کار می تواند دارای



درخواست از نهادهای بین المللی کارگری برای ثبت و پیگیری شکایت رانندگان اخراجی سندیکا